



سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

پیام کارگر



شماره ۱۲ بهار معادل ۲۰ ریال

ارگان کمیته خراج ز کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول نیمه دوم بهمن ۱۳۶۶

گردهمایی تشکلهای دمکراتیک در شهر آخن آلمان فدرال و دستاوردهای آن

روزهای شنبه ۳۰ و یکشنبه ۳۱ ژانویه ۸۸، شهر آخن آلمان غربی میزبان نمایندگان ۲۰ تشکل دمکراتیک بود. این تشکلهای از شهرهای: کوتینگن، فرانکفورت (دوشکل)، هانور، برلین (۳ تشکل) ها میورگ، هاگن، بیلفلد، هیلدسهایم، آخن، کیسل، اشتوتگارت، کاسل، نورنبرگ، کورباخ، بایرن ویک تشکل از کشور بلژیک در این گردهمایی شرکت جسته بودند. در ابتدای نشست نماینده آخن ضمن خوشامدگویی به نمایندگان کانونها، گزارشی کوتاهی بقیه در صفحه ۴

شورای تعیین صلاحیت و توازن قدرت

مدارم مقابل طرفداران با زاوی بخش خصوصی، که در مرحله معینی دست به تعرض زده بودند، محسوب میشود. چرا که ایجاد دولت مقتدر و متمرکز در برنا سه خمینی برای بیرون رفتن از بحران عمیق اقتصادی و سیاسی جامعه سرمایه داری ایران نقش کلیدی دارد. اودر آخرین تلاشها و بوسیله فتوای خود با آزاد کردن حکومت از قید "فقه" و حرکت بر مبنای "مصلحت" در برنا مریزی و طراحی امور، با این مهم مبادرت کرد. این اقدام فتح یکی از گامهای اصلی توسط جناح مسلط دولت و در مقابل با حریف بود که در سنگر "فقه" و احکام الهی "حلال نموده حلال الهی بقیه در صفحه ۴

روز ۱۷ بهمن ۶۶ خمینی دستور تشکیلی شورای جهت تعیین تکلیف نهائی تمامی لواحق و طرحها را داد. این ارگان جدید که بصورت رسمی بر فراز تمامی ارگانهای حکومتی قرار گرفته، ظاهرا یک گام دیگر در مسیر سلسله تلاشهای اوبرای تثبیت قدرت جناح دولت ماست. اما آیا این اقدام برای قطعیت بخشیدن به این قدرت و سازمان دادن دولت مقتدر و غلبه بر بحران کارگشا است؟

همانطور که در پیام کارگزار شماره ۱۲ متذکر شدیم فتوای خمینی حرکتی برای تقویت جناح دولت -



آلمان غربی: کارگران فولاد کروب آدامه میدهند در صفحه ۲

از "ردی‌ها"ی دادگاههای پناهندگی در آلمان فدرال دفاع کنیم!

طبق خبرهایی که زبعضی مقامات مسئول امور پناهندگی در آلمان غربی شنیده می شود و بخصوص بر اساس صحبت های اخیر سیر من وزیر کشور آلمان فدرال دادگاههای رسیدگی به متقاضیان پناهندگی تصمیم دارند، شرایط پذیرش پناهندگی را با زهم سخت تر کنند. این روندی است که از سال های ۸۷-۸۶ همراه با تصویقات دیگری از جمله طولانی کردن زمان رسیدگی به پرونده ها و ممنوعیت ورود پناهندگان به این کشور شروع شد و شرایط بسیار سختی برای متقاضیان پناهندگی بوجود آورد. بلا تکلیفی، وزندی طولانی در وارد و گاههای تکلیف باغذای نامطبوع و رفتار خشن و غیر انسانی ما مورین، فشار طاقت فرسای بر پناهندگان وارد نمود. حرکات اعتراضی وسیع و طولانی پناهندگان جنوب آلمان شکلی از بروز این وضعیت نابسامان بود.

اکنون شرایط برای آندسته از پناهندگان که بنام "ردی‌ها" نامیده می شوند، یعنی کسانی که از دادگاهها پاسخ منفی دریافت کرده اند بخصوص وخیم است. این شرایط با گذشت زمان و افزودن شدن تعداد بیشتری به مردودین با زهم تحمل نا پذیر تر خواهد شد. اظهارات اخیر وزیر کشور مبنی بر اینکه باید برای کاهش تعداد متقاضیان، سیاست های سختگیرانه تری معمول داشت، بی تردید اوضاع را بدتر خواهد کرد. هم اکنون در مقابل این روند تشدید فشار اعتراضاتی از سوی انجمن های پناهندگی شروع شده است. تظاهرات پناهندگان در شهرهای لیبرگ آلمان غربی بر علیه افزایش "ردی - بقیه در صفحه ۴

نامه ای از ایران

در صفحه ۱۰

نگاهی به "زن" در کلیدر

چندی است که کلیدر "ببنوان" اشیارز شمنند و متعبد جای خویش را در ادبیات امروز ما گشوده، نگارنده نه عزم بررسی کلیدر را داردم و نه توان آن، چه "کلیدر" نیا زمند نقدی همه جا نبه در خور وسعت آن است. هدف نوشته، زیر طرح جایگاه "زن" در کلیدر" و با زنگاشتی بحثی در این زمینه است. دولت آبادی در کندوکاو خود از زنج و عشق و رزم در "کلیدر"، به ناگزیر رنج زنانه را نیز مطرح می سازد. از آنجا که با هجوم ارتجاع اسلامی، ستم بر زن به مسئله ای اساسی و مبارزه با مردسالاری به بخشی از مبارزه علیه ارتجاع حاکم بر ایران بدل شده، مبارزه با این ارضیه، عقب مانده در ادبیات امروز وظیفه همه آنانی میشود که هنرا هر چه وسیع تر فریب داد می خواهند.

آنچه بر "زن" در "کلیدر" می رود، دردناک می باشد. بقیه در صفحه ۳

زندگی و مبارزات پناهندگان

کراچی - پاکستان
خودکشی یک پناهنده
بدستور مسئولین سازمان ملل پلیس به متحصنین حمله کرد
گوتنبرگ - سوئد
پناهندگان متحدان از اخراج یک دختر ایرانی جلوگیری کردند

هایدلبرگ - آلمان فدرال:
تظاهرات اعتراضی پناهندگان علیه حمله سئوفا شیت ها به خواجگاه پناهندگان

در صفحه ۶

ادامه صفحه ۱

شورای تعیین صلاحیت و توازن قدرت

یوم قیامه و حرام محمد حرام الی یوم قیامه "پناه گرفته است، اما خمینی بمشابه آنکس که بر شاخ نشسته و بن می برید، بهای بزاری توسل جست که در استمرار خود به طرفداری و ولایت فقیه می انجامد و کسانتی را مورد حمله قرار داد که از خودی هم خودی تر هستند، بعلاوه این جناح که قدرتش را نمی توان به علت پایه های اقتصادی قوی و مهمتر آن تسلط در درون دستگاه روحانیت دست کم گرفت، بکمک ابزارهای گوناگون خود به نبرد ادامه میدهد و این مقابله آنگونه که مورد دنیا زوا منتظر جناح دولتمدار است خاتمه نمی یابد.

بعدا زفتواها با به توده های دولت، اگر چه بصورتی کنترل شده، بمیدان آورده شد و نمایشانی هم برگزار شد، اما عمدتاً نمایندگان نظری و عملی طرفین به مبارزه پرداختند. بعضی از ججت الاسلامی جناح مسلط مانند "سلطان" شادمانه فریاد کردند که "حضرت امام عمده دیدگاه های دولت و جناح موافق او را تا شید فرموده و تلویحا و تصریحا نظریات جناح مقابل را رد نموده اند." (کیهان ۸ بهمن ۶۶). فقهایی جناح دیگر و لاخود را نیاختند و شایاناً کاتولیک ترا ز خود "پا" شدند، آنها عنوان کردند، بلکه همه چیز را اختیار ولی فقیه است اما همه صلحت را با هم باید "فقیه" تعیین کند. حتی محمد یزدی در مقاله خود در رسالت بتاریخ ۷ بهمن عنوان نمود که هیچ تغییری رخ نداده و قبلا هم شورای نگهبان اگر هیچ راه شرعی برای حل مشکلات نبودا ضربیه پذیرش "خلاف شرع" بعنوان صلحت بود، حال هم کماکان باید "صلحت" مورد بررسی و تأیید قرار گیرد و این تنها در اختیار دولت و مجلس نیست، این ما نورها و حرکات بصور مختلف انجام و هنوز هم ادامه دارد. اگر همه چیز مطابق خواست جناح مسلط پیش میرفت آنها می باید در انتخبات آینده اکثریت قوی در مجلس

بدرست آوردن تا به کمک طرحهای دولت آمده و بسا تصویب آنها بقید "صلحت" کارها را پیش برند. اما علیرغم همه تمهیدات چنین وضعی با سانی دست یا فتنی نبود. یکی از نمایندگان جناح بسا زار، ناروئی نما بیندیم، در مجلس فریاد بر می آورد که "کسانی که میخواهند از فرمایشات ما مبهتر برداری سیاسی بکنند بدانند که این کار موجب خشم و غضب خداوند و ما زمان و همه رزمندگان و ملت ایران خواهد شد." و ادامه میدهد که "... مردم توجه دارند که بعضی مدعیان طرفدار مرحومین و مستضعفین قبل از پیروزی انقلاب در کجا منزل داشته و چه داشته اند و حالا چه دارند... و ما آمده ایم که زشورای محترم نگهبان بخواهم که در رسیدگی به وضعیت ناهمه های آینده زندگی و وضع قبل و بعد از انقلاب و ثروت فعلی را بررسی کنند و اعلام نمایند زیرا ما از ابرار واقعی اما موخلفات اطمینان کامل داریم... بهمین جهت رسیدگی به تخلفات آنان مورد تاکید است و باید اذانه های درشت شروع کرد" (کیهان ۱۲ بهمن) مقامت در حدی بود که خاندانهای که خود را مجمع تهران است، در سمینار شمه جمعه برای بحث درباره فتواها به بیانه بیماری شرکت نکرد و این حرکت او بصورت یک سوال اعتراضی در جلسه سخنرانی موسوی اردبیلی در قم از سوی حاضران مطرح شد که اردبیلی بیماری را عنوان نمود.

درکش و قوس این ماجراهاست که خمینی دستور تشکیل شورای تعیین صلحت را با ترکیب فقهای شورای نگهبان، روسای سه قوه، دادستان کل، وزیر مربوطه در هر لایحه، خاندانهای و یک نماینده خودی را میدهد. این شورا بنوعی احیاء "اجلاس سران سه قوه" است که در پها رگشته و با ترکیب وسیعتری شکل گرفت اما بعلت توازن قوا و احتمالاً

کردن تنها دن شورای نگهبان در آن دوره بسا بن بست رسیده بود، بمبنای تصمیم گیری در این شورای تازه، که بر اساس صلحت است و نه فقه، و ترکیب آن، روی هم رفته گامی در جهت همان برنام صلحت جناح مسلط است. اما نفس خود تشکیل آن نوعی عقب نشینی در مقابل مقامت روحانیون طرفدار ربا زار و شورای نگهبان است. چرا که اگر دیگر شورای نگهبان موضع قبلی خود یعنی صلحت تصویب کننده نهایی طرحها و لوایح را از دست داده، دولت و جناح مسلط هم به تنهایی چنین نقشی را بدست نیاورده است. و این آنچیزی نیست که منطبق با شکل گیری اراده قوی و برپا نشی دولت مقتدر برای روبروشدن با بحران باشد. و اما وضع به همین جا خاتمه نمی یابد و معلوم نیست که ترکیب مجلس آینده هم بنحوقطعی باب میل جناح مسلط از کار درآید و این نیز مزید بر مشکلات خواهد شد.

با در نظر گرفتن این شرایط هر چند که این شورای جدید، سرعت اجلاس سران سه قوه بسا فرا موشی سپرده نخواهد شد اما خصوصیت برخوردار خواهد شد. شیوه حل اختلافات زمینه های تازه بحران درون حکومت را مهیا می کند. مبارزه فرساینده این دو جناح در درون "شورا" اگر چه با تصویب لوایح دولت هم، بصورت سرودم بریده آن، همراه باشد اما نخواهد یافت و بعلت حضور مستقیم و رخ و کشمکش بر سر هر موضوع و گرگانه ها با دو کیفیت تازه ای خواهد یافت. اینک اشکال این تصادمات به چه نحو خواهد شد در زمان تعیین می کنند اما یک چیز میشود در یافت، با گسترش بحران و دهان باز کردن حفره در حکومت، منفذ فوران خشم توده ها تعبیه میشود.

کارگران فولاد کروب ادا می دهند.

ادامه صفحه ۱



مبارزه کارگران کروب در "راین هاوزن" آلمان غربی که از بیش از سه ماه قبل برای جلوگیری از تعطیل کارخانه و بیکار سازی کارگران شروع شده ادا می دارد. در این مبارزه کارگری که در هله اول برای جلوگیری از بیکار سازی ۶۰۰۰ کارگر صورت میگیرد، بعلت عواقب تعطیل کارخانه در آن نواحی که اقتصا دش بر محور آن می گردد، علاوه بر همبستگی کارگری، پشتیبانی وسیع اهالی منطقه برانگیخته شده است. ما حبان صنایع فولاد بعلت اضافه تولید در سطح بازار مشترک و غیراقتصادی شدن تولید سیستم سرمایه داری که بر افزایش نرخ سود استوار است، تصمیم به تعطیل گرفته اند. آنها از ایران که ما حب ۲۵ درصد سهام این شرکت است نیز نظر خواهی کردند. نمایندگان کارگران نیز از ایران خواستار موضع گیری بنفع دایر بودن کارخانه شدند. لازم به تذکر است که چند صد کارگر ترک در این کارخانه در خطر بیکاری هستند و نماینده جمهوری اسلامی در آقا زین شاعر دفاع از حقوق کارگران مسلمان عوام مغربسی

فشار بر نماینده رژیم فقهی نیز گردیدند. شواب، معاون وزیر صنایع در سفر به منطقه علیرغم شعار بنفع کارگران مسلمان با اتخاذ موضع عملی بسا نفع سرمایه و درخواست از طرفین برای مذاکره، هرگونه توهمی را نسبت به خود از زمین برد. مبارزات کارگران و جلب همبستگی به صورت مختلف ادامه دارد و متلاش تشکیل کمیته همشهری با ربحث های هفتگی بین بقیه در صفحه ۱۰

می کرد. قبل از سفر معاون وزیر صنایع فقها بساری بحث در این مورد، رفتای ما در منطقه "نوردراين" و ستفالن آلمان با صدور اعلامیه ای بزبان آلمانی، عوام فریبیهای نماینده رژیم را افشا کرده و بسا کارگران در این مورد هشدار دادند و آنها را نسبت به ماهیت فدکاری و جانبداری از سرمایه داری رژیم فقها و عدم امکان موضع گیری از جانب آنها بنفیع کارگران مطلع نمودند. اما مصرا خواستار اعمال

نگاهی به "زن" در کلیدر

می گوید.

برخورد به روابط بین دوجنس نیز با زدره مان چهار رجوب سنتی خود را نشان میدهد. "لالا" با غرایز بیشتر از عرف معمول یک زن، نه ما درونه همر، به مذاق نویسنده خوش نمی آید، چوب تکفیر می خورد:

"حجب زنا نه به کارتا بدن هنگام است کسه دا مگه ای توادنبود، ومبادتا این حجب به زیر پای نهاده شود! که زن به عطف نه است و مردیک" (۷) نه سودا های رنگارنگ شیدا، نه قدیر، نه سودای پیرانه سرخان عموئه حتی لجن بارگی بُنگذار، هیچیک نویسنده را به چنین قضاوتی از غرایز مردانه نمی کشانند. این برخورد در جای دیگری نیز خود را نشان می دهد. آنجا که گل محدود و همسر را یکجا به آغوش می کشد و با هر دو وداع می کند، در اینجا تسلیم ناگزیر زیور به سرنوشت، همان زیور کسه پیش ترا ستا دانه به بیان احساس می پردازد، بی هیچ گرا هتی به تصویر می آید:

"زیور همچنان سرگرم بازی دادن به کودک بود که گل محمد پیش رفت و بی اختیار ربال گشود، دست چپ برشانه زیور و راست برشانه ما رال گذاشت، دوزن را به هم آورد و ایشان را بر سینه فشرد." (۸) با زوان مردانه به فراخی صحرا! دوزن را در بر می گیرند و نویسنده غرق در "خموشی شوق و خسروش موج در گرب گرب قلب ها" (۹) می شود.

گوئی غرایز انسانی را میتوان با روابط غیر عادلانه تحمیلی محروم نمود. در اینجا آنچه که در حریم مردانه "چپا و" همسر لالا، به همدردی مذمت می شود. در حریم بی حرمت زنا نه، زیور، "مباح" می گردد.

و سرانجام تنها زنی که نویسنده جا تیدا رانه می پردازدش، بلقیس است، ولی دولت آبادی در بلقیس، نه زن، ما در را می ستاید، اگر حرمتی است حرمت شیرو و نجات. "سرکشگی ندارد، با پس کشیدن بر ابرق امتی که جوهر تمام نیروهای زمین است." (۱۰) بلقیس اگر بر حق است از جانی است که فراخست بخشیده و می بخشاید. حق او نه حق زنا نه اش، بلکه حق زندگی است که از او در دیگران جاری است. و اگر حرمتی است بیاس این حق است. بلقیس، ما در به تاوان ذره ذره، جان خود جای درد استان می یابد.

ولب کلام:

"چشمه توان و توش تمام مردان عالم." (۱۱)

۸۸/۲/۳ (نا هیدنمرتی)

هنرمندان، این کینه ها می گذارد، اما زمانی که به کینه در زن می رسد، نوک استدلال را به همسان سمتی می گیرد که تفکر عقب مانده، سنتی پرچم دار آنست و لب کلام به احساس خود نویسنده:

"این را به یقین می توان گفت که زن وزن یکدیگر را از درون پس می زنند، اگر چه در بیرونه خواهر گرفته هم با شند. چیزی در ایشان هست که ترسو و حسود است، دست و دل با زترینشان هم از این نقص برکنار نیست. حسد به برآزنده ترا خود، ترس از همو خطرا یکنه پسندیده تر افتد. بیم و پس مانده... (۵) و همین درک سنتی نویسنده از زن است که "کلیدر" را از یک قهرمان زن محروم می سازد. علیرغم سنت های مبارزاتی زنان از مشروطه تا به امروز، از قرآله عین ها و سریه ها تا صدها زنی که سیاه لپا های رژیسم اسلامی را مغلوب عشق خود ساختند، دولت آبادی نمی تواند در سرتاسر سویا ن خود زنی هم پای مردان بیرو را ند، حتی در بین افرادی سی در شهر که در میازات آن سالها بی شک زنانی بینشان بودند، یک زن پیدا نمی شود، به زنا "کلیدر" بر می گردیم. "شیرو" آن جسارت جوان سرانه که سنت مردود را می درو شرافتمندان از حیثیت خود دفاع می کند و دولت آبادی خود در بیان جسارت او می گویند: "شیرو می داند عطف عشق او را به دوزخ هم توانست کشاند. شیرو پیشا پیش رنگ خون خود بر خنجر برادر می بیند... سفربیکا نه او را خود آغوش می کشیم خدا نگهدار، زندگانی همیشه، زندگانی آرام، زندگانی تسلیم، سلام سرکشی، سلام خروش." (۶) اما ایست سرت را هم پروازی فرا ترا زنی زردی اش نیست و راهی به دادخواهی اجتماعی نمی کشاید. آذرخشی که در نمی پاید و جای شایسته، خود را نمی یابد.

"ما رال" در ابتدای داستان سوار بر "قره آت" می آید، اما میدگستاخی. اما تا به آخر هیچ "افتخاری" جزمسری گل محمودا در فرزند و نصیبش نمی شود. "چموشی" ابتدا دیری نمی یابد. "رکاب" به گل محمد می دهد، مرغ خانگی، دست آموز، انتظار مطلوب سنتی از زن. و معلوم نیست چرا تا زه در انتهای داستان با سربندی سرخ نقش "زینی" خود را میروند که بیازد.

"عشق سوتی"، بران و روشن و بیولادی در تیرگی رندیها کم میشود. فرجامش در ابها می گنگ فرومی رود.

"دختر افغان"، قره ای در ظلمت، می آید و می رود.

حتی "زیور"، آن اندوه انباشته به گسترده گی کلیدر، وقتی که در انتها به همگاری گل محمد هلا سلاح می گیرد، با زدره، تلاش است به حسرت هویتی، فدای جان به تمنای نیم نگاهان.

بجز بلقیس که در انتها به آن می پردازیم، هیچیک از زنان مطرح شده در "کلیدر" با فرا تر از دنیای تنگ عواطف فردی شان نمی گذارند دولت آبادی گل میخ تفکرش را بر سرنوشت همه آنسان

از لگد شدگی دیرینه و سخت جان است که بلقیس، زیور، شیرو، دخترکان بلخی، نوک چپا ن،... هر یک بگونه ای آنرا بیا نگرند.

تلاش دولت آبادی در تمویر استا دانسه زندگی و رنج زن جای سیاسی دارد. اما در کنایه این تلاش چیز دیگری نیز مطرح میشود، جان سختی و عمق تفکر مرد سا لارا نه که حتی نویسنده ادبیات پیشرو - ما را نیز در جنبه خود می فشارد.

"کلیدر" بلوغ ادبیات مردمی مفاصرمان و بی حقی زنان حتی در این عرصه را، یکجا بنمایش می گذارد. این تناقض در بیان هنرمندان نه درد زنا نه و در عین حال عدم همدردی و قضاوت سنتی نویسنده خود را متجلی می سازد. برای بررسی به خود "کلیدر" بازمی گردیم. دولت آبادی، احساس زیور، زن نازا ش که با ازدواج مجدد شوهر و بیسرو میشود، را اینطور بیان می کند:

"درون سینه اش نعره ای وحشیانه زبانه می کشید... اما نعره فقط در کاسه سرخود زن، در قلبش و در رگهایش ظنین داشت. بیایانی خشک و شور، بی رونق، بی بار، دست و پای زیور انگار جان جنبیدن نداشتند. آنجا مثنی استخوان نشسته بود. نه زنی در اوج بلوغ زنی، زن سی و پنج ساله، نشانه ای از بیزاری، سرخوردگی، بزمردگی، تلخی، کیسه ای پر زهر، بپرت افتاده و بی پیوند... گنگی زبانی و گسترده گی جان، صحرای به آتش درنشته، پشت لبهای بسته، شعله، شعله ای که پایانش نیست و پنداری آغوش زیش نیز نبوده است. از درجه چشمها زبانه می کشد، صحرای سوخته، صحرای سوخته." (۱)

اما این تصویر عمیق و هنرمندانانه و تصاویری از این دست، هیچیک نویسنده را به ریشه یابی مسائل زنان نمی کشاند و با اینکه می گوید: "همه آینه ها، دل آزدگی، خردینگی، سرکوفتگی، راه به کینه می برند." (۲) و با: "دستی به نوازش، بگامی به پذیرفتنش، فریاد درسی در دست، آبی بر آتش." (۳) اما با زمنشاء تنگ نگری و کینه را نه در سنن دیرپای ملت به زن، بلکه در سرت زنی جستجو می کند: "دیگری اگر در کار چرب دست تراست، ما به آزار زن است. سرکوفتگی می آورد. اگر آزاده خوی است ما به خردی اوست. اگر گشاده روی است، دل او را می آزارد. جبین در هم کشیده اگر با دشمنانگی است. و همه اینها - دل آزدگی، خردینگی، سرکوفتگی، راه به کینه می برند. کینه اولین منزلگا هیست که زن در درون خود به آن می رسد. آینه، ویرانگر، غوغائی از خشم درونش را بر می آشوبد، آتش فشان درد." (۴)

سرتا سر زندگانی در "کلیدر" رشته ای بافته از کینه به پیدا ده است. کینه، لگد شده ها، بلخی ها، قربان ها، موسی ها، ستارها،... به چکه پوش ها، کینه، قدیرها و نادلی ها به بندارها، کینه و عصیان پسران کلمیشی، در انتها کینه خان محمد ها که نیا زمان آن را جا یگزین عشق گل محمد هلا می خواهد. دولت آبادی عمری بر سر طرح و پرداخت

(۱) ص ۵۵

(۲) و (۳) و (۴) و (۵) در ص ۳۹

(۶) ص ۱۱۲

(۷) ص ۱۵۹۴

(۸) و (۹) ص ۲۱۴۱

(۱۰) و (۱۱) ص ۲۰۶۰

از "ردی‌ها" یادگلهای پناهندگی در آلمان فدرال دفاع کنیم

ادامه از صفحه ۱

است. مانع اصلی پرسروراه، احزاب دست راستی و نیروهای ضد دموکراتیک اند، یعنی همان‌هایی که سیاست فشار بر پناهندگان را در مجلس و دولت این کشور پیش می‌برند. ما می‌توانیم به کمک تبلیغات بیشتر و وضع واحوال ایران و دلیل عمومی مهاجرت ایرانیان و تبلیغ گسترده روی شعار فوق، همراهی بیشتر نیروهای ترقی خواه و افکار عمومی راه سوی خود جلب کنیم. در این میان، متمرکز شدن روی موارد رد شدگان و اثبات اینکه اد گاهها دلیل کافی برای عدم پذیرش پناهندگان ایرانی ندانند و اساسا تابع سیاست های صد پناهندگی و زد و بند های سیاسی با رژیم اسلامی هستند، بر برد تبلیغی مان می‌افزاید. در همین مورد بعضی از کانون های پناهندگی مبادرت به تهیه آمار از مرد و دین داد گانه کردند که ابتکار مفیدی است. برای متمرکز کردن اطلاعات و داده های آماری در این زمینه، پیام کارگرا ز این کانون ها و همینطور پناهندگان که در اد گاه مرد و د شده اند، می خواهد که اطلاعاتشان را در اختیار این نشریه قرار دهند تا در دسترس همه انجمنی ها، فعالین و سازمان های حقوقی مدافع پناهندگان قرار داده شود و کسار گسترده ای برای دفاع از "ردی‌ها" و تقاضای پناهندگی که اکثر آنرا یک یا حتی بیش از دو سال است در انتظار اد گاهها بسر می‌برند انجام شود.

است و هرکس موظف است از جان و مال خود برای کشورگشایی دولت ولایت فقیه بگذرد، در کشوری که تفتیش عقاید مردم و تجسس در امور شخصی زندگیشان برای ما مومین و جاسوسان رژیم یک حق رسمی تلقی می‌گردد، و در کشوری که نهی از جمعیت اش، زنان، فاقد هرگونه حقوق مدنی می‌باشند، بقدر کافی دلیل برای تقاضای پناهندگی دارد. اد گاههای پناهندگی در مورد ایرانیان، باید همان قانونی را بگیرند که در مورد مهاجرین ویتنامی بکار برده اند، یعنی پذیرش همه پناهندگان بدون تشکیل اد گاه. با وجود رژیمی که اکنون در ایران سرکار است و شرایط جنگ و خفانی که برپا است، تمامی ایرانیان مهاجر حق پذیرش پناهندگی دارند. هیچ عاملی جز آنچه گفته شد دلیل مهاجرت ایرانیان نیست. این عقیده ای است که تعدد اد زیاده از وکلا و دست اندرکاران این امور در آلمان غربی برای کسب آن فعالیت می‌کنند. آنها با شناخت از علل مهاجرت ایرانیان و سابقه ایرانیان در هنگام مسرتگین شدن رژیم شاه که اکثر آنها به سوی کشور خود بازگشتند، تقاضا دارند که اد گاهها عموم تقاضای ایرانی را تا تغییر شرایط سیاسی ایران بپذیرند. شرایط داخل کشور و انواع رژیم که بر سرکار است برای مسولین امور پناهندگی آلمان غربی ناشناخته نیست، افکار عمومی مردم این کشور نیز تا حد زیادی با وضع ایران آشنایی دارند. بنابراین زمینه ذهنی برای طرح شعار مورد نظر مساعد

ها" و سیاست حاکم برد اد گاهها شمه ای از این اعتراضات در میان پناهندگان می‌باشد. همین مسئله در سمینار سراسری کانون های پناهندگی در شهر آخن آلمان غربی بعنوان موضوع اصلی یک اعتراض سراسری مطرح شد. شواهد موجود نشان می‌دهد، مسئله "ردی‌ها" وسعت گیری اد گاهها به معصل حاد پناهندگان در این کشور مبدل شده است. بنابراین مبارزه برای حقوق پناهندگی و دفاع از شرایط زندگی مهاجران امروز به این مسئله محوری گره می‌خورد. در این دوره باید دفاع از "ردی‌ها" را در رأس فعالیت های کانون های دموکراتیک پناهندگان در کشور آلمان قرار داد.

مبارزه برای پذیرش پناهندگی "ردی‌ها" و اصولا علیه شرایط و مقررات سخت اد گاهها احتیاج به آن دارد که ما شعارهای روشنی را مطرح کنیم، و راه حل خود را ارائه دهیم. طرح یک شعار درست در این رابطه مبتنی است بر داشتن یک ارزیابی از شرایط کشور ایران و علل عمومی که یک ایرانی را وادار به مهاجرت و تقاضای پناهندگی از دولت های خارجی منجمله دولت آلمان غربی کرده است. از نظر ما موقعیت مهاجرین ایرانی از نظر استثنائی است و بررسی تک تک پرونده هر مهاجر کابری زاید است. یک مهاجر ایرانی که از کشوری آمده که مسولین دولتی آن علنا حقوق بشر را به مسخره می‌گیرند و تعقیب و آزار هر صاحب اندیشه ای مجاز تلقی می‌گردد، در کشوری که جنگ یک واجب الهی

گروههای تشکلهای دموکراتیک در شهر آخن آلمان فدرال و دستاوردهای آن

ادامه از صفحه ۱

پس از ارائه جمع بندی دوگانه، هیئت رئیسه پیشنهاد کرده و ما آنرا به تصویب حاضرین برسد. اما تعدادی از نمایندگان با رای گیری مخالف بودند و سرانجام مقرر گردید تا می صحبت های نمایندگان و جمع بندی هیئت رئیسه در یک بولتن منتشر شود. تصمیمات متخذه:

۱- ارائه یک بولتن خبری مشترک
۲- ارائه بولتن نظری (که در آن بحثهای مختلف مندرج شده و از درون این بحثها دستور جلسه سمینار بعدی درآید)

۳- اعتراض به ردی و استرداد در آلمان
۴- حمایت تبلیغی از آوارگان ایرانی در پاکستان، ترکیه و عراق

۵- ایجاد یک صندوق مالی مشترک،
۶- نامگذاری یک روز بینا م روز پناهنده

۷- برگزاری یک تظاهرات سراسری در بین شعارهای حول مسائل پناهندگی، جنگ و زندانیان سیاسی، (که شعارهای آن به تصویب رسید و ۱۶ کانون در این زمینه توافق رسیدند.)
۸- علاوه بر اینها تشکلهای زیر مشولیت پذیرفتند:

جمع آوری و چاپ بولتن بحثها: کانون دفاع از زندانیان سیاسی برلین غربی

جمع آوری و چاپ خبرنامه مشترک و همچنین پیاده

بقیه در صفحه ۹

معتقد است در دفاع از حق پناهندگی باید قید و شرط معینی وجود داشته باشد. کانونهای معتقد بودند که در منشورشان با سلطنت و رژیم جمهوری اسلامی مرز بندی شده، و کانونهای اعتقاد داشتند که علاوه بر موارد فوق (سلطنت و رژیم) با همکاران دور رژیم نیز مرزداریم. و بقیه بحثها پراکنده بود، این جمع بندی روابط درونی تشکلهای و همچنین رابطه این تشکلهای پناهندگان را چنین ارزیابی میکرد: الف. روابط درونی کانونها غیر دموکراتیک است. ب. علت رویگردانی پناهنده ها از این کانونها، سیاسی بودن عناصر فعال آن کانونها است. ج. این کانونها دچار بحران هویت هستند.

جمع بندی دوم: ۱۲ کانون معتقد بودند مطالبات صنفی - دموکراتیک و سیاسی پناهندگان می‌باید بعنوان اصول دموکراتیک در چگونگی کار انجمن های دموکراتیک مینا قرار گیرد، و ۵ کانون اعتقاد داشتند پناهندگان نمی‌توانند در یک کانون متشکل شوند و باید موجود پناهندگی بوده اندیا نه (با سازمانهای سیاسی موجود پناهندگی نباید اتحاد عمل نمود). دسته ای بدون قید "سیاسی" هموارا به تشکل فرامیخوانند و دسته ای با سلطنت مرز بندی دارند و دسته دیگری علاوه بر سلطنت طلبان با حزب توده و اکثریت مرز بندی کرده و ضربه همگاری بسا آنها نیستند. عمدتا به محورهای زیر تکیه می‌شد: علم یا پناهنده به سمینار در ارمشانت و بحران هویت.

از کارکرد خود از نشست سراسری دوم (سمینار دارمشتات) تا امروز را داد. و گفت که بیش از ۴۴ کانون دموکراتیک دعوت به عمل آمده که تاکنون این تعداد خود را به اینجا رسانده اند.

پس از آن از بین نمایندگان حاضر ۴ نفر به عنوان هیئت رئیسه انتخاب گردیدند. هیئت رئیسه یک آئین نامه برای اداره جلسه به حاضرین ارائه داد و پس از آن دستور جلسه تعیین گردید. دستور جلسه سمینار عبارت بود از:

۱- جمع بندی از حرکت گذشته و موانع این حرکت و تعیین اصول دموکراتیک و همکاری برای حرکت آینده.

۲- بررسی امکان همکاری مشترک.
الف - در چارچوب یک پلاتفرم

ب - همکاری های موقت (اتحاد عمل های موقت) حول مغفلات پناهندگان.

۳- برنامهریزی حول فعالیت های مشترک عملی آینده.

آنگاه نمایندگان کانونها شبت نام و بقیه ترتیب نظرات خود را در مورد دستور جلسه نخست دادند. اما در پایان صحبت های نمایندگان، هیئت رئیسه موفق به جمع بندی واحدی نشد و بناچار دو جمع بندی به حاضرین ارائه داد:

جمع بندی نخست: الف. نگرشی می‌گوید برای شناخت پناهنده شرطی وجود ندارد. ب. نگرشی

"آزادگان جهان!"

اوضاع در اینجا بحرانی است! کمیساریای عالی را در فشار بگذارید!

سحرگاه دوازدهم فوریه "کاک سردار" پناهنده کرد در پاکستان خودکشی کرد. از مدتی پیش کارت پناهندگی وی از طرف نمایندگی سازمان ملل در کراچی سوراخ شده بود و نتیجه او زحقیق پناهندگی محروم و مجدداً به خیل هزاران ایرانی آواره و یگریوسته بود. "کاک سردار" با خودکشی تلاش کرد فریاد اعتراض خود را علیه عملکردهای ضد انسانی باصلاح مسئولین اموری پناهندگی سازمان ملل کراچی به گوش انسان دوستان جهان برساند، تا بلکه بخود آیند و با حرکت متحد خویش نمایندگی سازمان ملل در کراچی را به جاده اصول و قوانین مدونش بازگردانند.

شورای پناهندگان و آوارگان ایران - پاکستان - کراچی در اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۲/۲/۱۹۸۸ خبر خودکشی "کاک سردار" را به اطلاع جهانیان رسانید و در بخشی از آن خطاب به هموطنان چنین نوشته است:

"کاک سردار" نمونه بارزی از آزادخواهان جهان بود که سالها برای رهایی خلقهای منطقه از یوغ ظلم و ستم جنگید. شورانقلابی وی و علاقه‌اش به خلقها و رهایی آنان از جمله، موجب آشنایی او با سخن ملی، زبان و بطور کلی فرهنگ خلقهای کرد، عرب، بلوچ و فارس شده بود. برخورد های صمیمانه و آوای گرم کردی او در خاطر ما محو نشدنی است.

سردار انسان زحمتکشی بود و زندگی سرشار از مبارزه‌اش در عین حال گویای مصائب بیشمار است که تحمل کرده بود. برخورد غیر انسانی در قفسا زمان ملل کراچی با او قطع کلیه حقوق پناهندگی اش آخرین ضربه‌ای بود که او را از پای آورد و موجب خودکشی او شد.

در بخش دیگری از اطلاعیه شورا خبراً زحمتکشی و اعتصاب غذای بی‌پایان او، مرد و کودک آواره است. آنها مدت‌ها در هفتگی است که برای اعتراض به اعمال غیرقانونی در قفسا زمان ملل کراچی دست به این اقدام زده‌اند. در متن آنجا که ما در چند فرزند هستند به حالت اغما افتاد و به بیمارستان انتقال یافته‌اند. سیاست سکوت، دفع الوقت و بی‌تفاوتی مسئولین سازمان ملل کراچی در مقابل اعتصاب و سپردن آنها به دست پلیس، عرصه را برای آوارگان تنگ‌تر و غیرقابل تحمل‌تر کرده و موافقتی چون خودکشی در پی داشته است.

افزایش رد تقاضاهای پناهندگی، اخراج، تصویقات حقوق انسانی و قطع حقوق پناهندگی، پروسه‌هایی از یک سیاست عمومی هستند که هرروزه توسط دولت‌های امپریالیستی و ارتجاعی علیه پناهندگان و آوارگان، بویژه آوارگان ایرانی اعمال می‌شوند و رو به گسترش هستند. باید متحدان علیه این سیاستها با خیزیم، هرجائی هستیم، سوئد یا آلمان، انگلستان یا آمریکا، فرد انوبت ماست.

مما حبه‌ای با سیرمن وزیر داخله آلمان فدرال

سیرمن می خواهد سدی در جلوی

سیل پناهندگان ایجاد کند

مما حبه از: کارل هوکوپر ویور

هشتمه: ۲۶ ژانویه

خبرنگار: تعداد متقاضیان پناهندگی در سال گذشته بنحویت بل ملاحظه‌ای کاهش یافته است، شما گفته‌اید که این رقم از صد هزار نفر به شصت هزار نفر در سال گذشته رسیده است، پس چرا شما همچنان از طوفان پناهندگان صحبت می‌کنید؟

سیرمن (Zimmermann): این زنگ خطری است که از مدت‌ها پیش بعداً در آمده است. در سال گذشته زمین متقاضیان پناهندگی فقط ده درصد پذیرفته شده‌اند. این بدان معنی است که نود درصد آنان پناهنده سیاسی نیستند، آنها به دلایل اقتصادی به اینجا می‌آیند. آنها بدلیل نداشتن امکانات خوب تغذیه و ترس از جنگ فرار می‌کنند. بر اساس قوانین و ارزشهای ما هیچ دلیلی وجود ندارد که آنها بتوانند پذیرفته شوند.

خبرنگار: شریک اشتلاخی لیبرال شما، مدعی است که شما با علم کردن مسائل پناهندگان و خارجی‌ها می‌خواهید دست خود را در تشدید قوانین ضد پناهندگی باز کنید.

سیرمن: این یک اتهام بی‌اساس است.

خبرنگار: شما اخیراً طرح قانون جدیدی علیه خارجی‌ان اعلام کرده‌اید که در کارکام بینه اشتلاخی موجب مشا جره شده است. این قانون مشتمل بر چه نکاتی است؟

سیرمن: قانون جدید وضعیت خارجی‌ان را که مدت‌هاست در کشور ما کار می‌کنند، تثبیت می‌کنند یعنی یک پوئن مثبت برای آنهاست. در واقع این قانون جدید یک پوئن منفی برای آنهاست که به نایق و اردسرزمین ما شده و در اینجا اقامت گزیده‌اند. یعنی متقاضیان پناهندگی و فراریانی که قبول نشده‌اند، در این قانون امکانات بسیار گرداندن آنها گنجانده شده است. اگر ما اینکار را نکنیم، بیم‌آن می‌رود که طوفان فراریان همچنان به سوی آلمان ادامه داشته باشد. در پیرامون ما تمام کشورهای مهم قانون خارجی‌ان و پناهندگی را تشدید کرده‌اند. ما نمی‌توانیم که جز آن را انجام ندهیم.

کراچی - پاکستان:

بدرستور مسئولین سازمان ملل پلیس به متحصنین حمله کرد.

نهتن از ایرانیان آواره به تنگ آمده که به علت عدم پذیرفته شدن درخواست پناهندگی شان از طرف نمایندگی سازمان ملل کراچی در مقابل دروب این ادا رده دست به تحصن و اعتصاب غذا زده بودند، در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۸۸ مورد حمله پلیس منطقه (دیفنس) واقع شدند. در این حمله که منجر به ضرب و شتم و دستگیری آوارگان ایرانی گردید، دوزن از ناحیه دست و پا مجروح شدند. در بین متحصنین دو کودک ۱۲ ساله نیز به چشم می‌خورد.



اعتصاب غذا، برای گرامیداشت قیام ۲۲ بهمن

با بیروت - آلمان فدرال:

- ۱- جنگ ارتجاعی ایران و عراق هر چه زودتر باید ختم می‌شد.
- ۲- هرگونه صدور سلاح به طرفین درگیر جنگ را محکوم می‌کنیم.
- ۳- وجود ناوگانهای جنگی در خلیج فارس را محکوم می‌کنیم.
- ۴- به حمایت از جان هزاران زندانی سیاسی بپاخیزیم.

تعدادی از پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم با بیروت، بخاطر گرامیداشت خاطره قیام ۲۲ بهمن و دفاع از دستاوردهای آن که با تسلط یک ضد انقلاب مذهبی، رژیم جمهوری اسلامی، با یمنال گردیدیم مدت ۳ روز از تاریخ چهارشنبه ۱۵ فوریه تا جمعه ۱۲ فوریه دست به یک اعتصاب غذای سمبلیک زده و با صدور اعلامیه‌ای خواستهای زیر را مطرح کردند:



هایدلبرگ - آلمان فدرال: تظاهرات اعتراضی پناهندگان

روزشنبه ۱۹۸۸/۱/۳۰ حدود ساعت ۸ بعد از ظهر صدای جوان نفو فاشیست به خوابگاه پناهندگان واقع در شهر شریس هایم (Schriesheim) شهرکی در نزدیکی هایدلبرگ حمله کرد و با فریاد "خوکها، خوکها" وارد اتاقهای کانکتینو (محل زندگی این پناهندگان) شده و دژینا هندی را که در حال استراحت بودند مورد ضرب و شتم قرار داد و وزخمی

کردند. آنها همچنین یکی از پناهندگان ایرانی را با اسلحه گوم تهدید کرده و ۳۰۰ دلار را به سرکشی دادند. تعدادی از پناهندگان موفق شدند در راهارازیشقت قفل کرده و از طریق پنجره فرار کنند و به پلیس اطلاع دهند. اما مهاجمین نیز بسرعت خوابگاه را ترک و فرار کردند. این خبر روز دوشنبه در مطبوعات "شریس هایم" و هایدلبرگ منعکس شد.

برای اعتراض به این تهاجم که نتیجه تحریکات روزانه رادیوهای تلویزیونی آلمان فدرال و برخی مقامات مسئول دولتی است، پناهندگان شهر شریس هایم، هایدلبرگ و برخی هواداران نیرو -

گوتنبرگ - سوئد

های سیاسی در هایدلبرگ همراه با افراد مترقی آلمانی تصمیم گرفتند که روز ۱۳/۲/۱۹۸۸ تظاهراتی را برگزار کنند. این تظاهرات در روز مقرر با شرکت حدود ۳۵ نفر از پناهندگان و افراد بشره دست و نیروهای سیاسی آلمانی برگزار گردید. تظاهرات کنندگان فریاد می زدند: "از حقوق پناهندگان و

خارجیان دفاع کنیم"، "علیه نفو نازیسم، برقرار باد همبستگی بین المللی".

رفقای ما در هایدلبرگ با انتشار اطلاعیه‌ای از حرکت پناهندگان حمایت کرده و فعالان در اردو و خود راهپیمایی شرکت نمودند.

پناهندگان متحدان از اخراج یک دختر ایرانی جلوگیری کردند

یک درخواست!

سوئدی های مترقی در روزهای ۵ و ۶ دسامبر ترتیب یافته و اخبار آن بسرعت در میان پناهندگان ایرانی، پخش گردید. پس از آن شهرهای مختلف سوئدی یکی پس از دیگری اعلام همبستگی کردند. چنانچه در بیش از ۱۴۰ شهر سوئد حرکات اعتراضی در اشکال گوناگون علیه اخراج ها و سیاست های ضد پناهندگی دولت سوئد به اجرا درآمد.

در شهر محل دستگیری و بازداشت پناهنده ایرانی، گوتنبرگ، حرکات اعتراضی وسیعی از طرف ایرانیان پناهنده سا زمان یافت و در نتیجه در نتیجه همکاری و هوشیاری پناهندگان اخراج دختر ایرانی و حکم اخراج یک مادر ایرانی و دو فرزند خردسالش لغو گردیده و بازداشت آزاد گردیدند.

اقدامات اعتراضی پناهندگان ایرانی که در نوع خود بی نظیر بوده است در ۵ روز متوالی در شهر گوتنبرگ در اشکال گوناگون از جمله اعتصاب غذای ۸۰ نفر از پناهندگان، تظاهرات در مقابل اداره پلیس و صدور قطعنامه، بسیج احزاب سیاسی نیروها و شخصیت های مترقی سوئدی، راهپیمایی با مشعل در سطح شهر، جمع آوری امضاء در سطح شهر، تظاهرات در مقابل رادیو و رسانه های جمعی ...

لازم به ذکر است که دولت سوئد به نقل از روزنامه های این کشورها پیمائی را به مبلغ ۴۵۰۰۰۰۰۰۰۰ کرور کرور کرده بود، تا همراه با پناهنده مزبور، تعداد دیگری از پناهندگان ایرانی را که اکثر زنان، دختران، کودکان و نوجوانان بوده اند، به دولت ایران تحویل دهد.

علیرغم هیاهوی کشورهای سرمایه داری غربی در دفاع از حقوق بشر، معامله های رسوا بر سر حقوق انسانی پناهندگان و مهاجرین، تفصیلات روزمره اجتماعی، تحریک گروههای فشار ضد خارجی، افزایش بی رویه و بدون دلیل "ردی" ها در دادگاههای پناهندگی، قرار دادن پناهندگان در یک شرایط زندانی غیر انسانی، اما ما به هیئت واحدیست های ایمن کشورها در قبال مهاجرین و پناهندگان از میسران خلقهای تحت ستم است. همچنانکه در نشریه شماره ۸ پیما مگرها هنگی سیاست های ضد پناهندگی این کشورها در نشست فوریه ۱۹۸۷ سوئیس را افشاء کردیم، با اعمال کردن حقوق انسانی آوارگان و مهاجرین تنها مختص یک کشور و بویژه با کستان و ترکیه نیست و در این میان کشورهای معظم سرمایه داری و با ملاحظه دنیای آزاد دست کمی از آنها ندارند. خبر زیرا که نمونه ای از دهها گزارش از این دست بوده و سیاست های ضد انسانی دولت سوئدرا که حتی بیش از سایر دول اروپائی مدعی دفاع از حقوق انسانی است، افتاء می کند، بدلیل اهمیت آن از لحاظ هماهنگی مقابله پناهندگان درج میکنیم:

یک دختر ایرانی که تقاضای پناهندگی وی از طرف دولت سوئد رد شده بود، به بهانه ملاقات با وکیل تسخیری جدید به اداره مرکزی پلیس دعوت شده و آنجا روز ۴ دسامبر دستگیر و در انتظار اجرای حکم اخراج، زندانی گردید. او به محض بازداشت دست به اعتصاب غذا زد. با رسیدن خبر دستگیری به دوستان و آشنایان او در شهر "لاکسا" (Laxå) اعتراضات و تظاهرات گسترده ای با شرکت پناهندگان ایرانی

کانون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران - هامبورگ که چندان پیش تا سیم شده و تا بحال اقدامات چندی برای دفاع از حقوق زندانیان انجام داده است، طی نامه ای به همه گروهها، سازمان ها و محافل مترقی ایرانی از جمله سازمان مادر میثمه مسائل زندانیان سیاسی طلب همیاری نموده است. ما با استقبال از خواست این دوستان و آرزوی موفقیت برای آنها، خلاصه نامه ایشان را در اینجا درج می کنیم، تا علاقمندان برای همیاری با آنها از درخواست این کانون که جنبه عمومی دارد مطلع گردند:

دوستان عزیز، کانون ما ۱۰۰ اهداف مشخص، لغو شکنجه و اعدام، آزادی همه زندانیان سیاسی، تامین حقوق انسانی زندانیان و درنهایت برقراری عدالت و آزادی اجتماعی در کشور را پی می گیرد. ما برای پی گیری اهداف خود، امکانها را کمی در اختیار داریم و همیاری همه آشنایان که به آزادی و عدالت اجتماعی و بالندگی آن اعتقاد عمیق دارند، نیازمندیم. لذا از شما خواهشمندیم با توجه به امکانها تا محدود مالی کانون، ضمن ارسال یک نسخه از نشریات خود به آدرس ما، در زمینه مسائل زندانیان و زندانیان سیاسی، هرگونه اطلاعاتی دارید و یا کسب می کنید، ما را محروم نگذارید.

Adresse: Postfach 540511
2000 Hamburg 54
با تشکر فراوان و آرزوی پیروزی: کانون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران - هامبورگ

فروپاشی خدمات درمانی در انگلستان

گام اول بصورت خودداری از افزایش بودجه متناسب با تورم و انتقال بخشی از مخارج درمانی نظیر آژما، یساخت تشخیص سرطان، آژما، چشم، معاینه دندان و غیره به بیماران عملی میشود، بودجه درمانی انگلستان رقیم نزدیک ۶ درصد تولید ناخالص اجتماعی این کشور است که پانزده سال اخیر از راههای دیگر اروپائی می باشد اما دولت تا چنانگافی بودن بودجه را رد کرده و بی کفایتی بوروکراسی بخش درمان را دلیل اصلی مشکلات درمانی میدانند و این درحالی است که سیستم درمانی ۲۰۰ میلیون پوند کمبود داشته است. اما در دوران حکومت وی پزشکی خصوصی یکی از سودآورترین مشاغل بوده و بیماران نهایی خصوصی به علت ارائه خدمات بهتر رونق یافته اند، ولی دقیقاً به دلیل همین رونق بخش خصوصی است که از یک سو بخشی از پرسنل فنی و علمی بیماران نهایی بدلیل دستمزدهای کم تر، کار خود در بیماران دولتی را ترک کرده و به این بخش می پیوندند و از سوی دیگر با افت کیفیت درمان و اسامی مکان درمان در بخش دولتی، بازاربخش خصوصی گرم تر می شود. این سیاست زیرا که دولت بورس بازاری، دلالان و اشرافیت نفرت انگیز انگلستان در دوران حکومت "توری" هابی و قفسه آدامیافته و به وضعیتی منجر شده است که بخشهای کم درآمد جمعیت هرچه بیشتر از خدمات پزشکی محروم شوند، آنهم در کشوری که دارای یکی از پیشرفته ترین سیستمهای آموزش پزشکی و دارای سابقه و اعتبار خاصی در زمینه پزشکی است. سه کالج سلطنتی پزشکی انگلستان (داخلی، جراحی و زنان) در بریتانیا نیمی خود ضمن حمله به دولت به همین نکته اشاره کرده و از جمله میگویند که "... خدمات پزشکی ما که زمانی مورد رشک جهان بود، اکنون در آستانه فروپاشی قرار دارد".



هما نظر که دیدیم، دولت انگلستان سیاست سپردن امور همه بخشهای قبلاً

دولتی شده است. تقصیر بخش خصوصی را در مورد بخش خدمات درمانی با شیوه خاصی بکار می برد و دولت در خدمات را بصورت عملی تا آنجا مجاز می شمارد که شرایط کسب نان و آبدار بخش خصوصی را هرچه بیشتر فراهم تر کند. اما در این میان دو مانع اصلی بر سر راه وی قرار دارند. نخست پزشکان و پرسنل شاغل در بخش دولتی و آن دسته از پزشکان که وجدان پزشکی خود را زیر پا نمی گذارند. این گروه نسبتاً سازمان یافته معترضان به سیاستهای پلیس و نه باقانونهای ضد کارگری و شیوههای شناخته شده ای که برای درهم کوبیدن جنبش کارگری بکار رفت نمی توان از میان برداشت و در هم شکست، دوم جمعیت عظیمی که بدلیل محدودیت های مالی خود نمی توانند مشتری هم طبقه ای های محترم خانم تا چرخ در بخش خصوصی پزشکی شده و بیابان از سرناچاری دست به اعتراض می زنند. اگرچه تاکنون موفق به سازماندهی خود نشده و به حمایت از فعالیت های افشاگرانه مطبوعات بر علیه دولت بسنده کرده اند، اما همین حمایت معنایی بجزیگ شکست سیاسی مهم برای محافظه کاران ندارد. رسوائی تا چریسم و جوهر فساد نسانی هیچگاه این چنین به صراحت برای افکار عمومی به نمایش درنیا مده بود.

"این دیوانگی است، عبارت فوق را یکی از مسئولین خدمات پزشکی ملی انگلستان در مورد یک بیمارستان دولتی بکار می برد: "... تا زنگر بتوانیم تختها را نگاهداری کنیم، نمی توانیم بیماران غذا و لباس بدهیم و یا به آنها دارو بدهیم! ...". مثلاً به جملات فوق در عهده گذشته تقریباً هسروزه در مطبوعات انگلستان منتشر شده و بیامتا به استناد غیرقابل انکار رسوائی دولت توری در زمینه خدمات درمانی محسوب میشوند.

خدمات پزشکی انگلستان (دولتی)، به طریق تصویری که مطبوعات این کشور از آن آراشته می دهند، در آستانه فروپاشی کامل قرار دارد. درحالی که هم اکنون نزدیک به ۷۰ هزار نفر در لیست انتظار برای پذیرفته شدن در بیمارستان های دولتی قرار دارند، فقط در سال گذشته حدود ۳۰۰۰ تخت بیمارستان برچیده شده و بیش از ۳۰ هزار پرستار (غالباً با تخصص) استعفا داده و به بخش خصوصی رفته اند. سالخورده گان در کشوری که در دو دهه گذشته تعداد افراد با لا تر از ۲۵ سال دوبرابر شده است به دلیل اینکه در حال خواهند مرد در بیمارستان نهایی دولتی پذیرفته نمی شوند و دلیل اصلی این امتناع نیز این است که پاره ای از بیماران تنها تا ۵۰ درصد (و غالباً تا ۳۰ درصد) کمبود پرسنل دارند. بخشهای از واحدهای درمانی و دولتی با کمترین امکانات فنی و انسانی به زحمت سرپا هستند و غالباً به شرکتی و سازمانی و داروئی و به پرسنل خود بدهکاری دارند. در سال گذشته طبق یک ارزیابی حداقل ۱۰۰۰۰ نفر به علت اشتباهات جراحان و پرسنل اتاق جراحی جان سپرده اند و این با توجه به فقدان ویا کمبود حداقل تخصص پزشکی و فنی در بخشهای جراحی هر روزها اتفاق می افتد. در مواردی جراحان بدون تجربه حتی بدون حضور جراح با تجربه تریه عمل جراحی مغز اقدام کرده اند و متخصصین بیپوشی بعلمت ندانم کاری و بیبایاطلاعی، بیماران در حین جراحی کشته اند! پاره ای از گزارشات از رفتار غیر انسانی با بیماران مبتلا به سرطان و شرایط تاسف آوریست سالخورده گان در آسایشگاه های مخصوص خیر می دهند.

اما آنچه که به افشاگری های فوق در مطبوعات منجر شد (و ما تنها پاره ای از آنها را اطلاع را نقل کردیم) جراحی قلب یک نوزاد دشت هفته ای بنام دیوید ربر بود. دیوید که از آغاز زندگی کوتاه ۵۷ روزه اش، مبتلا به نقص قلب و محتاج جراحی بود، با رنوبیت جراحی اش به این دلیل لغو شد که امکان جراحی وی به دلایل گوناگون از جمله نبودن اتاق جراحی نبود. درحالی که خطر مرگ وی را تهدید می کرد و از پزشکان و مسئولین بیمارستان دولتی نیز کساری ساخته نبود، پدر وی به دادگاه عالی شکایت کرد و دادگاه عالی نیز شکایت وی را رد نمود!

با انتقال یافته ن موضوع به مطبوعات بود که تا چرمجبور شد شخصاً دخالت کرده و موجب جراحی وی را فراهم کند. اما این دخالت سرپوش نهادن بر مسئله را که هدف اصلی دولت بود غیر ممکن کرد. با علنی شدن موضوع مشخص شد که در همان بیمارستان در سال گذشته ۳۴ طفل محتاج عمل جراحی را به خانه فرستاده و ۳۲ جراحی از مجموعه ۱۱۷ جراحی قلب را لغو کرده اند و آنگاه سیل اطلاعات تفاسیر، مباحثه ها و بیبانیها، مطبوعات انگلستان را پر کرد. دولت محافظه کاران در موضع غیر قابل دفاعی قرار گرفت. پزشکان و نهادهای محافظه کاری مثل تشکلهای علمی پزشکان و ودانشگاهها به افشای ادعاهای نیمه دروغ دولت تا چرپریدا ختند. برای اولین بار در انگلستان پرستاران در منجستریه اعتراض کا هنر دستمزد شبکاری و اضافه کاری آخر هفته اعصاب کردند. و حتی جریانات اناراضی حزب محافظه کار نیز فرصت را برای استفاده سیاسی مناسب دانسته و دست بکار شدند.

دلایل اصلی وضعیت خدمات پزشکی انگلستان را اما با یاداسا با توجه به مجموعه سیاستهای اجتماعی محافظه کاران جستجو کرد. این سیاست در یک کلام عبارت است از کاهش هزینه های اجتماعی دولت و فراهم آوردن امکانات فعالیت سودآور بخش خصوصی در زمینه خدمات. این سیاست در زمینه درمانی در

ما و خوانندگان

رفقای عزیز "پیام کارگر"!

● ضمن سلام و تبریک برای انتشار هرپانزده روز یکبار و نشریه پیام کارگر و با آرزوی اینکه در راه فعالیت‌های انقلابی خارج از کشور موفق و پیروز باشید.

رفقا! در نشریه شماره ۷ صفحه ۶۰ مطلب "راهپیمایی مرکزی علیه جنگ ایران و عراق" برگزار کنندگان این راهپیمایی را بعزت عدم اشتغال اعضا و هویت سیاسی مشخص مورد انتقاد قرار داد و اید و از آنها خواسته‌اید که قبل از هر چیزی می‌بایستی هویت خود را مشخص می‌کردند. آیا این لازم است که برای برگزاری و یا انجام یک اقدام مشترک در موکراتیک و موقتی بایستی حداقل در بعضی زمینه‌ها اشتراک نظر وجود داشته باشد یا مهم عملی ساختن همان مورد مشخص است تا زمانیکه به پرنسپ سیاسی سازمان شرکت کننده و خواسته‌های طبقه کارگر مورد لطمه‌ای وارد نشود، آیا احتیاجاً لازم است نام و هویت سازمان یا یک سازمان‌های برگزار کنند مشخص باشد تا بتوان یک هدف خاص و مشترک را به پیش برد یا میتوان با نام گذاری مثلا کمیته برگزار کنند تظاهرات ضد جنگ، به افشای رژیم برداخت و میتوان تعداد بیشتری از توده‌ها را به شرکت در این نوع اقدامات جلب کرد؟ بدون شک منظور این نیست که چنین کمیته‌ای بایستی فاقد پرنسپ و برنامه مشخص سیاسی باشد بلکه نظر این است که می‌توان بدون نام بودن از سازمان خاصی اقدام به برگزاری تظاهرات برای پیشبرد هدف شخصی کرد و این فریب توده‌ها نیست چرا که هدف این تظاهرات و یا اقدامات تعیین سیاست حکومت آینده یا تشکیل مجلس مؤسسان و غیره نیست و یا مثل جمهوری اسلامی که از احساسات توده‌ها سوءاستفاده کرد و با انجام تظاهرات خاصی اهداف دیگری را دنبال می‌کند. هم‌اکنون که هنوز بسیاری حتی از نام سازمان سیاسی خاصی نفرت دارند و یا آنرا طرد می‌کنند بدون اینکه شناختی بدان داشته باشند، چگونه می‌توان تعداد بیشتری از توده‌ها را به شرکت در اقدامات موکراتیک و انقلابی جلب کرد، طبعاً نمی‌توان و نباید کمیته‌ای تشکیل داد که حاصل نظرات متناقض باشد و مثلاً از منهای بی‌نهایت تا به اضافه بی‌نهایت در نوسان باشد ولی می‌توان با برطرف نمودن بعضی مقررات دست و پاگیر و خصوصیات سکتاریستی زمینه مشارکت هر چه بیشتر مردم را فراهم کرد و اراده آنان را جهت شرکت در امور زندگیشان تحریک نمود. هم‌اکنون غیرا ز سلطنت طلبان قریب به اتفاق سازمان‌های سیاسی و اکثریت توده مردم از جنگ و مصائب آن به‌زار زنده تظاهرات ضد جنگ، گذشته از انکشاف زمینه‌های فعالیت مردم محل مناسبی است برای افشای رژیم و تحت فشار قرار دادن آن چند رژیمه داخلی، چه بین المللی و در این موارد اگر برگزار کردن تظاهرات و یا انجام فعالیتی ضد جنگ ضرورت بدنام و مضای مشخص سازمان برگزار کنند

● رفیق "بابک" از تبریک شما بمناسبت ۱۵ روزه شدن "پیام کارگر" از صمیم قلب تشکر می‌کنیم. حمایت‌های رفقای چون شما گرمی بخش قلب‌هایما است. دقت و علاقه شما برای ارتقاء کیفیت "میزان‌ها" پیام کارگر ستودنی است. منتظر نامه‌های شما هستیم. اما در مورد نکاتی که اشاره کردید: - اگر در مقابل تیتر مقاله‌ای که از صفحات دیگر ادامه پیدا کرده اند طبق پیشنهاد شما سه نقطه (. . .) بگذاریم، بلحاظ قوانین دستوری و علامت گذاری تولید اشکال خواهد کرد. چرا که مثلا نمونه " . . . هزار رنگ و رنگ اصلی" بلحاظ دستوری می‌رساند که جمله کامل ذکر نشده و قسمت‌هایی از آن در قسمت راست حذف شده است. بنابراین ما فقط زمانیکه عنوانی را بلحاظ صرفه جویی کامل نمی‌نویسیم در سمت چپ آن سه نقطه می‌گذاریم. مثل "هزار رنگ و . . ." که در این صورت اشکال دستوری پیدا نمی‌کند. فکری می‌کنیم برای رساندن اینکه مطلب از صفحه دیگری به این صفحه ادامه پیدا کرده است تنها راه نوشتن "ادامه از صفحه . . ." باشد.

● تلاش می‌کنیم طبق پیشنهاد شما از خط کشی بین مطالب بهره‌گیری و در اساس مطلب را طوری بچینیم که خود بطور طبیعی با مطالب دیگر مرز داشته باشد. اما این قانون مطلق نیست. مواقعی دست و ستون کردن مطلب و جد کردن آن با خط افقی و یا عمودی با مطالب دیگر آرایش صفحه را زیباتر می‌کند. - در رابطه با کلیشه کردن برخی خود افشاگریها از روزنامه‌های رژیم و برخی گزارشات، توصیه‌های شما را می‌پذیریم.

● رفیق الف - نوید، شعر "ترا دیدم" به نشریه رسیده است جوهر آنچه که می‌خواستید بگوید اگر چه زیباست و خواننده را به لحاظ ریتم و شند آن بیاد بعضی از غزل‌های شمس می‌اندازد، اما صرفاً ریتم تند در شعر نمی‌تواند به الزامات یک شعر پاسخ مثبت دهد. در عین حال این شیوه به شکلی تکامل یافته تر قبلا وسیله گلچین گیلا و تند رکیا در دهه‌های گذشته ساخته شده است که از جمله می‌توان شعر "باران گلچین را نام برد، اما آنچه که آثری را به شعر نزدیک می‌کند علاوه بر دهها عنصر دیگر، ایها می‌است که شعریا بدین کلیت کار خویش آن را بکار برد و با تداوم و بیروخیال عاطفی موضوع را به خواننده منتقل کند. بهرحال موفق باشید و ما بیشتر مکتب‌نما نماند.

● رفیق گرامی ف - فریاد! نوشته‌تان تحت عنوان "وظایف من بعنوان یک پناهنده" بلحاظ شیوه‌ای که برای تشریح وظایف یک پناهنده و عنصر آگاه بکار برده جالب و مبتکرانه است. ولی اینده‌هایی که در آن ارائه کردید، در حد یک طرح مقدماتی است که احتیاج به کار بیشتر دارد. ما منتظر کار بعدی‌تان هستیم.

● رفقا، مهران و ناصر! گزارشاتی که ارسال داشته‌اید بدستمان رسید، که در بخش اخبار خارجی مورد استفاده قرار گرفت. از علاقه و همکاری شما با پیام کارگر تشکر می‌کنیم.

باشد عملی سکتاریستی خواهد بود. در این مورد برای بهره‌ی زابهام و سرد رگمی، کمیته برگزار کننده می‌تواند اهداف و برنامه‌های تظاهرات را بطور مشخص اعلام دارد بدون اینکه نام سازمانی شرکت کننده مشخص شده باشد. در قسمت دیگری نتیجه گرفته‌اید که می‌توان با تشکیل کمیته‌های موقت از همه‌سا زمان‌های سیاسی و عناصر انقلابی دعوت بعمل آورد تا از سرد رگمی‌ها اجتناب شود، ضمن تأیید این مطلب و مناسب بودن این راه‌حل، ماه‌ها و هم‌اکنون تا تأکید روی شرکت اعضا و هواداران در تظاهرات مورد نظراست و برای جلب شرکت توده‌ها برنامه‌ای نیست. می‌توان بجای توافق نظر همه‌یا بیشتر نیروهای سیاسی بر سر یک خواست عمومی که طبعاً وقت و نیروی زیاد تری را می‌طلبد به اشتراک نظر تعدادی از سازمان‌ها بسند کرد که حول یک خواست موکراتیک بتوانند تظاهراتی را برگزار کرد و یا اقدامی مشترک را عملی سازند و بجای نام این سازمان‌ها، مثلاً "کمیته . . ." که در برگزاری اهداف و منظور این اقدام مشترک باشد نام برد و بدین طریق می‌توان تعداد بیشتری از نیروهای موکراتیک‌ها را به شرکت در فعالیت‌های انقلابی - موکراتیک فراخواند و با انعطاف مناسب قدرت مانور و برگزاری اقدامات مشترک بیشتر خواهد شد. با این اقدامات هم می‌توان نیروی گسترده تری را برای افشای رژیم بسیج کرد و همه‌نظرات سکتاریستی سازمان‌ها و عناصری که منافع فرقه‌ای را بر منافع مردم مقدم می‌شمارند می‌توان برخورد کرد زیرا اساساً منظور بسیج توده‌هاست نه صرفاً شرکت دادن اعضا و هواداران یک یا چند سازمان سیاسی مشخص.

با آرزوی موفقیت و پیروزی شما و انقلاب ایران و با تشکر
م - الف - پ

پاسخ پیام کارگر:

● رفیق عزیز، انتقاد ماهه تظاهرات ۲۴ اکتبر در شهرکلن در آلمان فدال متوجه این روش دعوت کنندگان بود که اعضا "مجموع" سازمان‌های دعوت کننده را مورد استفاده قرار داد. نبودند. این عبارت نامعلوم و نامأنوس است. حرف ما این بود که اگر دعوت کنندگان نمی‌خواهند هویت سازمان‌ها پنهان شود، و یا بدلیل نمی‌خواهند اسمشان در کنار اسم دیگر سازمان‌ها قرار گیرد، چرا در عوض ایجاد این ابهام و سؤال در ذهن مردم، از روش اصولی و شناخته شده ایجاد کمیته‌های موقت پیروی نکردند. در نظر ما اینگونه کمیته‌ها که فراوان هم یافت می‌شوند هویت سیاسی مشخصی را نمایندگی می‌کنند که در شعرا و ره‌های شان تجلی پیدا می‌کند. وقتی ما می‌گوئیم مردم باید دعوت کنند را بشناسند به این معنا نیست که اعضا و سازمان‌های عضو این کمیته‌ها باید اسم و رسم خود را اعلام کنند. بلکه منظور همان کمیته دعوت کننده است. بنابراین باید آجایی برای این نتیجه‌گیری نیست که ما خواهان علنی شدن هویت سیاسی این افراد و سازمان‌ها شدیم. علاوه بر این مادر پشت سر مبارت سازمان‌های دعوت کننده "دیدگاه انحرافی و مفسوس‌رانی در زمینه وحدت عمل میان سازمان‌ها می‌بینیم که شرح آن در همان مطلب آمده است. ◀



"عفو" نه!

آزادی بی قید و شرط تماما زندان نیان سیاسی!

آخوند "انصاری" رئیس زندان های کشور در مورد "عفو" زندان نیان سیاسی اظهار داشت: "شورای مرکب از مسئولین زندان دادسرای انقلاب و نمایندگان وزارت اطلاعات نسبت به عفو بیگانه اشخاص نظر داده، اما می آید در لیستی تنظیم و به قیامت عفو" و حضرت آیت الله العظمی منتظری تسلیم میشود "کیهان ۶۶/۱۱/۱۵

هر سال در آستانه سال نو و روز قیام بهمن رژیم عفو تعدادی از زندان نیان سیاسی را اعلام می کند، اما سال هم بهروال گذشته خبر دادند تعدادی از افراد "نادام" وابسته به "گروهک ها" مشمول عفو گردیده اند و به دامن خانوادها ایشان بازگشته اند، اعلام ایمن خبر در شرایطی صورت می گیرد که محکومیت مکرر رژیم ددمنش فقها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر مجامع جهانی دفاع از حقوق بشر، که تازه ترین آنها در گزارشی با زرس کمیسیون حقوق بشر، با حضور

نادمین و توا بین را هم در بر می گیرد. تا کتیک عفو که بمناسبت های مختلف هر چند یکبار رخوارک شلیفا تی رژیم در زندان ها و رسانه های گروهی می شود جزئی از همان سیاست به تسلیم کشتن زندان نیان تهران می باشد. اما مقام دست درخشان بسیاری از زندان نیان که با "نه" قاطع خویش مزدوران شکنجه گرا در شکنجه گاهها فلج ساخته اند رژیم را در اجرای این هدف هر روز نا کام تر می سازد.

بدون تردید حضور دهها هزار زندانی سیاسی در زندان ها و شکنجه گاهها پاشنه آثیلی برای رژیم است که می باید مرتباً بر آن کوبید و سیاست شکنجه و ترور آن را مرتباً افشاء و ترفندهای او را خنثی ساخت. رژیمی که در اساس منکر وجود زندانی سیاسی است، چگونه است که در طی هفت سال گذشته هر سال چندین بار اعلام عفو نموده و هنوز هم تعداد بسیار زیادی زندان مملو از زندانی دارد و هر روز اعداد مخفیانه گروهی از آنان افشاء می شود. باید به افشای ترفند عفو پرداخت و برای آزادی بی قید و شرط دهها هزار زندانی در بند کوشید.

ما و خوانندگان

با درود های گرم و صمیمانه به دوستان عزیز ● امیدوارم حالتان خوب باشد و در انجام کارها کوشا و پیروز. اینبار مطلبی در پیام کارگر شماره ۶ خوانندم که تیتراژ "روش فعالیت در کانون های دموکراتیک را اصلاح کنیم" بود که جالب بود. اما آیا ما می توانیم با توجه به پایگاه طبقاتی مهاجرین سا زماندهی تشکیلات آن ها را با تشکیلات پرولتاریایی مقایسه کنیم. به نظر بند ما تا مادیتی در کار نباشد این اشکالات - آکسیون نیسم خود را نمایان می سازد. بنظر من لازم است، مقوله پناهنده را با زهم بیشتر مورد مطالعه قرار دهیم.

با امید به پیروزی حمید

پاسخ پیام کارگر:

میان طبقات و اشکال و روش هایی که در مبارزه انتخاب می کنند بی تردید رابطه ارگانیک وجود دارد. و این خود اساساً زائد موقعیت مادی هر طبقه و تشریح اجتماعی در سیستم اقتصادی اجتماعی معینی است. مثلاً اگر اعتصاب توده های خاص طبقه کارگر است که در کارخانه ها و شهرهای بزرگ صنعتی متمرکز شده است، تحصن، مناسب اقتضای خود به روزها و بویژه تولید کنندگان خرید می باشد که بصورت پراکنده و مجزا از یکدیگر میسر می برند. انسجام و استحکام سازمانی تشکیلات های مربوط به این طبقات نیز باید یکدیگر متفاوت اند و هر کدام دارای ارگان نیسم درونی مخصوص بخود است. مثلاً نمی توان استحکام یک اتحادیه کارگری را با یک تعاونی صنف خیاط ها مقایسه کرد. پدیده آکسیون نیسم در برابر کار توده های مستهتر نیز بی ارتباط با زمینه های مادی ایجاد

کننده آن هانیست. پیوند های درونی طبقه کارگر و شرایط نسبتاً مشابه آن ها در برابر سرمایه و تقسیم اجتماعی کار، و درخواست های مشترکشان، زمینه های مادی است که کار توده های صنعتی، را بعنوان روش فعالیت مناسب برای متحد کردن آن ها مطرح می کند. و از این جهت تفاوت های آشکاری میان این طبقه ها طبقه های دیگر وجود دارد. ولی این نکته به معنای آن نیست که گروه های اجتماعی دیگر نتوانند اشکال آکسیون ها می توانند اتحاد خود را با زیابند و منافعی مشترک مادی آن ها، تنها خصلت تصادفی و ناپایدار دارد.

واقعیت اینست که هر گروه اجتماعی دارای منافع و موقعیت مشترکی در نظام تولیدی شخصی است. و به تبع آن مناسبات سیاسی و تشکیلاتی مناسب خود را تولید می کند. روش کار توده های نیز باید نقطه عزیمت خود را همین منافع و خواست های مشترک قرار دهد. در مورد مهاجرین نیز همین قاعده صدق می کند. مهاجرین، بعنوان یک گروه اجتماعی مشخص دارای منافع مخصوص به خود اند که از گروه های دیگری مثلاً دانشجویان، زنان و... مجزا می گردند. کار سازمان گرانده و آگاه گرانه میان این گروه نمی تواند خود را از طریق این مطالبات و تشریح موقعیت اجتماعی آن ها جدا کند. بدیهی است عمق و دامنه این مطالبات و اشتراک منافع مهاجرین با موقعیتی که توده های پرولتاریا را به یکدیگر متحد می کند تفاوت بسیار دارد. و اگر ما در مقاله مورد نظر در پیام کارگر شماره ۶ در توضیح کار توده های، اتحادیه و اعتصاب کارگری را مثال آوردیم برای فهم بهتر مطلب بود است. ولی علی رغم این تفاوت ها نمی توان به انکار کار توده های در میان پناهندگان پرداخت، و به توجیه تئوریک آکسیون نیسم تن داد.

دست گرامی حسین علی از سوئد!

● اظهارات شما مبنی بر اینکه در جلسه سخنرانی در شهر گوتنبرگ سوئد، سخنران، لحن توهین آمیزی نسبت به آقای بابک امیر خسروی داشته است، مطلبی است که باید از طریق رفتاری دست اندرکار تحقیق شود. ولی تا آنجا که به شیوه برخورد ما با مخالفین فکری مان مربوط می گردد، ما کار بر دهر گونه واژه اهانت آمیز را نادرست می دانیم.

بدنبال شهادت رفیق پروین کلی آبکناری در تاریخ ۱۵ آذر ماه ۶۶ و بمناسبت بزرگداشت این رفیق، مراسمی در زندان اوین برگزار شد. رژیم برای مجازات زندان نیان بعثت برگزاری این مراسم، یک ملاقات ۱۵ روزیکه را کثرت زندان نیان بند زنان را لغو کرد.

ادامه از صفحه ۴

گردهمایی تشکلهای دموکراتیک

کردن نوار صحبت های سمینار: کانون پناهندگان سیاسی ایرانی برلین غربی مسئول برگزاری گردهمایی چهارم: هامبورگ توضیح پیام کارگر:

مجموع گزارشات ما از سمینار مذکور، حاکی از آنست که تلاشهای فعالین جنبش دموکراتیک برای قوام بخشیدن به انجمن های موجود و حرکت در جهت ایجاد دیدگاه سازمان سراسری با مشکلات نظری مهمی روبروست. ما در اولین فرصت جمع بندی خود را در این باره ارائه خواهیم داد.

نامه‌ای از ایران ...

... آن قصه شنیده‌ای که عاقل برکنار رود خانه پیل می‌جست و دیوانه شلواربالا زد و از روزن خانه گذشت. کار ما از صبح تا شب نظاره‌مین دیوانگانی است که از زود خانه‌گذشته‌اند و مفتخرانه به پیش آمد می‌خندند. چه بگویم؟ خدای خیرشان دهد. . . . چند کتاب تصمیم داشتیم برای پست کنیم ولی به تمام د و ایروپستی بخشنا هم شده است که از یزد یرش کتاب جهت پست به خارج از کشور خود داری شود، و بهر حال صلاح مملکت خویش خسروان دانند. . . . پد برای یکسری کارهای اداری د رابطه با کار خودش در سا زمان با زینستگي کشور به تهران آمد، و به حواله حقوقش ر ا بعد از یک سال هنوز نداده‌اند. بعد از کلی سرد و آندن و دوندگی مجبور شد د و باره به ولا یت برگردد. بدون هیچگونه نتیجه وحل گره مشکلی، خلاصه ما این روزها فقط د ستمان به سوی حضرت ولی عصر ص است! تا شاید ایشان خودشان حل مشکلات بفرمایند و گرنه از دست ما زمینیان کاری ساخته نیست که نیست! به خانواده. . . . د دست خودت خبر داده‌اند که ایشان جان به جان آفرین تسلیم کرده‌اند (د زندان)، د رولا یت افراد فامیل سنت‌های لا زمره با آورد هاند. چه می‌شود کرد که با فیض فصل برگریزان است. زندگی د لایها و کاسب‌ها و فاحشه‌ها و خلاصه بگویم پد رسوخته‌ها پر رونق است. د عصری که سگ ر ایستند و سنگ ر ا رها کرده‌اند، برای د زد آن فواحش بهشت محسوب می‌شود. چیزهای عجیب و غریبی اینجان نوشته می‌شود. سیروس طاهباز، معروف مقاله‌ای می‌نویسد و از کلماتی از نوع امام زمان د ر شعر نیما استفاده می‌کند و نظرات نیما ر ا راجع به ظهور امام زمان توضیح می‌دهد. بهاء الدین خرمشاهی که د بیروز مروج پورنوگرافی هانری میسر بود، اکنون به عنوان یک اسلام شناس د ر محافل و مجامع ظاهر می‌شود و سید جعفر شهیدی که آنقدر د ست پادشاه و ملکه اش ر ا ماج کرده بود که د ستشان بینه بسته بود، اکنون کتاب زندگی امام حسین (ع) سرهمی کند. ضیا الدین سجادی تاریخ نسخ قرآن بیرون می‌دهند. محمود گلابد ره‌ای به این نتیجه رسیده که حسن خادم د استان نویسنده مداح، بزرگترین د استان نویسنده معاصر است، از افاضات اخیر همین آقای گلابد ره‌ای و به زعم ایشان کتابی از "بچه‌شمران" ایشان است. گلابد ره‌ای تمام طیف "روندگان" ر ا بچه‌شمران می‌داند و به استهزاء ایشان می‌نشیند. ناصر ایرانی خواب نمایی شود که د ر طول هفتاد سال گذشته د ر شرق د زمینه هنر هیچ کاری نشده و فقط این آمریکا بوده که. . . . نعوذ و بالله! عبید زاکانی می‌نویسد که سلطان محمود غزالی باد مغان می‌خورد و از د اخیلی خوشش آمد ه بود و عنصری فی الید ا هه شعری د ر مدح باد مغان سرود و مورد تشویق سلطان واقع شد و محمود پس از ا قراط د ر مصرف غذای مورد نظر، غذا د لش ر ا زد و شروع کرد از باد مغان بدگفتن. شاعر مورد نظر هم مجد د اقصید های د ر

د م باد مغان سرود. محمود اعتراض کرد که توحال د ر تعریف باد مغان سخن گفتی چه شد کسه. . . . عنصری د ر جواب می‌گوید که من نوکریاد مغان که نیستم، من نوکر سلطان هستم. هر چه سلطان گفت من هم می‌گویم. . . . طیف عظیمی از مجلات آنچنانی که هم از توبره می‌خورند و هم از خورد ایرشد که همه شان "آخرین شعر" احمد شاملومزین صفحاتشان است و نامه چاپ نشد های از جلال آل احمد! البته سینما نیز کما فی السابق از این ترقیات چشمگیری نصیب نمانده. مضمون عمدتاً فیلمها د ر د و سه سال گذشته این بوده که تمام معتادها و فراری‌ها و. . . . توبه می‌کنند و به حقیقت بی‌می‌برند و به جبهه می‌روند و اخیراً مضامین حول وقایع (سال) سی و د می‌گرد د و توحود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. آخرین فیلم از این رهگذر "گزارش یک قتل" کار حضرت آقای محمد علی نجفی با بازیگری‌ها روستا و اکبر زنجانی پور است که. . . . بله حاصل اصلی شکست (۲۸ مرداد) "افسران" بودند. د ر رأس این قضایا محسن مخملباف هستند. ایشان اصلاً تاریخ هنر را منکر هستند و به نظر حضرت ایشان تاکنون فیلمی ساخته نشده و د استان و زمانی نوشته نشده، فقط فقط مایک قصه خوب د اریم. آنهم قصه حضرت یوسف است. به نظر من این بچه‌سلمان پاکباخته، آینه تمام‌نمای دیگران است. خدای آمرزشان بدهد، بهر حال سفره سلطان بزرگ است. طیف جلوکباب خوران نیز افزون. خدای ایشان خیر دهد. تلویزیون نیز انواع و اقسام برنامه د ر مورد طلاق ردیف کرده از سریال و رپورتاژ و میزگرد خلاصه بگویم چندین ماه است که همه د ر سریالها و فیلمها به این نتیجه رسیده‌اند، تمام مصائب زیر سر "خواهر شوهر" ها و "ماد شوهر" ها است. فکر کنم همین روزها ست که جهت مبارزه با خواهر شوهرها و ماد شوهرها کلوبی تشکیل شود! از صیغ خلاق که بگذریم چند سطر از خود مان برای بنویسم. . . . (ماهها رباب خود مان به د زدی شروع مشغولیم. د رشتها را و برمی‌دارد و کوچک‌نیز به ما می‌رسد. البته اگر چشم بچینانم از من نیز می‌دزد، که بد فعات چنین کرده، کاری که من هم اگر موقعیت د ستم بیاید چنان می‌کنم، که کرد ه‌ام. و ا قاعاً برای عجیبی است).

شورای حل اختلاف یا شورای سازش

در پی دعوت مشترک احمد خمینی و روسای سه قوه از "خمینی" برای اعلام شورای حل اختلاف، خمینی لیست این شورا را انتشار داد. ا عفاء شورا مشتمل است بر عضو (فقیه) شورای نگهبان، ها شمس رفستخانی، علی خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، موسوی خوئینی‌ها، شوسلی، میرحسین موسوی، احمد خمینی و وزیر مربوط ای که لایحه اش در دو چم اختلافات اکثریت مجلس شورای نگهبان بلاتکلیف می‌ماند.

وظیفه این شورا تشخیص ضرورت و مصلحت است و خمینی تا کید کرده است در صورت لزوم از کارشنا مان دیگری هم برای مشاوره و رایزنی استفاده کنند.

با زهم سیل

با زندگی وسیل که با سرمای شدید در مناطقی کویری کشورمان همراه بود در ماه جاری خسارات زیادی به مزارع، علوفه، دامها و خانه‌های مسکونی روستا ثیان استان های یزد و خراسان وارد ساخت. رسانه‌های گروهی رژیم تنها به خسارات مالی و شدت سیل و محاصره چندین روستا اشاره کرده اند و بیان جزئیات خسارات مالی و تلفات جانی خودداری ورزیده‌اند!

المپیک ستول

بهرام فشار زاده دبیر کمیته ملی المپیک با اعلام آمادگی ورزشکاران ایرانی برای شرکت در رشته‌های کشتی، وزنه برداری و دوچرخه سواری المپیک ۸۸ ستول (پایتخت کره جنوبی) موافقت نخست وزیر برای اعزام ورزشکاران به ستول را اعلام کرد. لازم به یادآوری است که جمهوری اسلامی در المپیک ۸۰ "مسکو" و "۸۴" "لوس آنجلس" بدلائل سیاسی شرکت نکرد.

ادامه از صفحه ۲

کارگران فولادکروپ

کارگران و اهالی شهرهای منطقه، راه‌بندان‌های سمبلیک در جاده‌ها و تظاهرات متنوع و متعدد. روز ۲۵ ژانویه یک راهپیمایی از سوی دانش‌آموزان و دانشجویان از مرکز شهر را بین‌ها وزن تا کارخانه انجام شد و در محل کارخانه بصورت سمبلیک یک زنجیر انسانی بدور کارخانه کشیده و با تفاق کارگران حمایت خود را از ادامه کار اعلام نمودند. در این راهپیمایی رفقای ما شرکت و ابراز همبستگی نمودند، نکته قابل توجه در فعالیت رفقای ما در آن منطقه آنست که آنها با هشیاری تمام در تمام حرکات و تجمعات کارگران کروپ و همچنین تشکلهای حمایتی سازمانها و احزاب آلمانی و خارجی مانند ترک‌ها، شرکت نموده و در عمل و بصورت واقعی روحیه و سازمانت را نشان می‌دهند و در نهایت خود را بنام پیش می‌گذارند.

کنگره زن!

رژیم امسال در کنایات همه ساله‌ای که بنام دهه فجر برگزار می‌کند، اقدام به برگزاری به اصطلاح کنگره "زن و انقلاب جهانی اسلام" نمود. تعزیه گردان این مراسمها را هنروردهسرخست وزیر و سردبیر مجله "زن روز" بود و بحث سخنرانان بر سر موضوع هائیشی نظیر "ابعاد شخصیت فاطمه"، "حجاب" و "زن مسلمان" دور می‌زد. علاوه بر چند چهره حزب الهی، تعدادی از همسران خارجی مزدوران و کارگران رژیم و تعدادی مهمان خارجی در نشست شرکت داشتند.

فلسطین:

● مبارزات تودهای که به سومین ماه خود رسیدند است، در هفته اول فوریه راج خود بود. روز یکشنبه ۷ فوریه یکی از جداترین روزهای درگیری مردم نوار غزه و ساحل غربی بانبروهای سرکوبگر و اشغالگر اسرائیلی بود که طی آن سه نفر کشته و دهها نفر زخمی شدند. سیاست رسمی دولت اسرائیل در مقابل مبارزات تودهای که توسط اسحاق رابین وزیر دفاع فرموله شده، زور، قهر و کتک است. حدود یکماه است که روش ارتش اسرائیل در برخورد به تظاهرات به "کتک" و شکست استخوانهای دست مبارزان تغییر یافته است. آنها میگویند که شکستن استخوان مبارزان آنها را برای مدتی از صحنه دورنگ می دارد. بیست و چهار درصد مورد شکستگی استخوان دست در اثر ضربه باتون توسط پزشکان سازمان ملل در یکماه گذشته گزارش شده است. آمار زخمی هابیش از چهارهزار نفر است. سیاست "کتک" خشم و نگرانی افکار عمومی در سراسر جهان را برانگیخته است و در شورای امنیت سازمان ملل نیز منعکس شده است. امبریا لیستها و مترجمین عرب مد آمد رپی طراحی طرحهای تازه برای مقابله با جنبش هستند. آخرین طرح آمریکا که توسط ریچارد مورفی به اطلاع دولت های منطقه رسید، خود مختاری محدود به ساکنان نوار غزه و ساحل غربی و سپس کنفرانس بین الملل برای حل و فصل نهایی مسئله که طی آن بنا به طرح آمریکا سر نوشت نهایی غزه و ساحل غربی در رمد اگر صلح حل و فصل گردد. پاره ای محافل خواهان پس دادن این سرزمینها به اعزاب و تشکیل یک دولت فلسطینی در آن هستند.

آمریکا: رد لایحه کمک به کنتررا

● مجلس نمایندگان آمریکا، تقاضای کساح سفید برای ادامه کمک مالی به شورشیان کنتراس را رد کرد. این تقاضا، برای کمکهای ۲/۳۶ میلیارد دلاری با ۲۱۹ رای مخالف در مقابل ۲۱۱ رای موافق رد شد.

قسمت اعظم وسایل مورد تقاضای ریگان، برای کمکهای به اصطلاح غیرمرگبار مثل مواد غذائی و تجهیزات مخابراتی و انیفورم می بایست برود اخت شود.

ریگان به منظور بدست آوردن اکثریت آرا، پیشنهاد کرد که ۳/۶ میلیون دلاری که برای کمکهای مرگبار اختصاص داده شده بود، تا آخر مارس پس گرفته شود و منتظر نتایج مذاکرات دولت نیکا راگوا و شورشیان کنتراس بمانند.

دانیل اورتنکا رئیس جمهور نیکاراگوا ایمن رأی گیری را شکست سیاست ریگان در آمریکای مرکزی و پیروزی نیکاراگوانا مید.

یکی از رهبران اصلی ضد انقلاب بین بنام "آد لفو سزار" اعلام کرد که بدلیل این رأی گیری مذاکرات با دولت نیکاراگوا که برای هفته دوم فوریه در گواتمالا ترتیب یافته بود، رآمدتی بتعویق می اندازد. او همچنین اضافه کرد که آنها میکوشند معادل این کمک و بیشتر از آن را از طریق منابع خصوصی در آمریکا تأمین کنند و در این مورد به ارسال کمک از جانب "رابرت ول" کاندید رئیس جمهور آمریکا اشاره کرد.

خلع سلاح و میلیتاریزم:

● در کنفرانس متخصصین و سیاستمداران ناتو که در مونیخ برگزار شد، وزیر دفاع آمریکا سیاست دولت خود در مورد ضرورت مد رنیزه کردن ناتو را اعلام کرد. این مد رنیزه کردن می باید در دو راستا صورت گیرد، مد رنیزه کردن سلاحهای اتمی موجود و از جمله موشکهای با برد کوتاه و دیگر رگیری سلاحهای شیمیایی و مد رنیزه کردن سلاحهای غیر هسته ای. وی در راطهارات خود افزایش بودجه نظامی کشورهای عضو ناتو را خواستار شده است. لازم به تذکر است که در این کنفرانس دولت آلمان طرفداری خود را از برچیدن بخش اعظم موشکهای با برد کوتاه و نیز برچیدن سلاحهای شیمیایی در اروپا اعلام کرده است و این امر ممکن است به تشدید درگیریهای درونی ناتو منجر شود.

از سوی دیگر ارتش هونگر در ۲۵ ژانویه در دیدار با نخست وزیر یونان گفت موشکهای مستقر در آلمان در مکر تیک و چکسلواکی قبل از زمان پیش بینی شده برچیده خواهند شد. نخست وزیر چکسلواکی (استروگال) هم برچیدن موشکها از انگشور را رسماً اعلام کرد و گزارش کاملی در مورد نحوه برچیدن موشکها از انگشور در روزنامه "رود هیرا و" بچسب رسید.

انگلستان:

● هفته اول ماه فوریه، انگلستان شاهد حرکات متعدد کارگری بود که در رسالهای اخیر پس از شکست اعتصاب معدنچیان در این کشور بی سابقه بوده است. با اعتصاب محدود کارگران فنی معادن زغال، همه این معادن برای یک روز تعطیل بودند. بدنبال این اعتصاب کارگران بارانداز بدون اعتنا به قانون کار جدید و به حمایت از کارگران اعتصابی یکی از شرکتهای تخلیه بندری، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب برخلاف قانون جدید کار که طبق آن اعتصابات حمایتی ممنوع است برگزار شده است. احتمال سراسری شدن اعتراضات پرستاران و تئیدیل آن به یک اعتصاب عمومی نیز وجود دارد و تاکنون این اعتراضات که نسبت به کمی حقوق و وضعیت عمومی بیمارستانها صورت می گیرد بصورت حرکات اعتراضی در بیمارستانها و مناطق جداگانه انجام یافته است. همچنین در هفته دوم فوریه ۳۲۵ نفر از کارگران ۲۱ کارخانه از ۲۲ کارخانه فورد در انگلیس جهت اضافه دستمزد به میزان ۷۲ درصد برای سال جاری، دست به اعتصاب زدند. مبارزات کارگری در انگلیس که در زمستان امسال اوج گرفته، می رود تا با سراسری شدن خود یک بحران جدی بوجود آورد.

استکهلم - سوئد

● در تاریخ ۸۸/۱/۳۰ از طرف کمیته همبستگی با مبارزات مردم فلسطین در شهر استکهلم، تظاهراتی به حمایت از مبارزات خلق فلسطین و محکوم کردن کشتار اخیر اسرائیل انجام شد. این تظاهرات که با شرکت ترکها، شیلیا، نیپا و ایرانیا (منجمله رفقای ما) همراه بود، از میدان اصلی این شهر به طرف سفارت اسرائیل و باشا رهای مرگ بر اسرائیل وزنده با دسازمان آزادیبخش فلسطین انجام شد.

اطریش:

● گزارش کمیسیون تاریخ دان بین المللی مأمور رسیدگی به پرونده کورت والد هایم، رئیس جمهور اطریش، که متهم به ارتکاب جنایت جنگی در جنگ دوم جهانی است، منتشر شد. براساس این گزارش کورت والد هایم که زانفسران شاغل در قسمتهای مهم و مطلع ارتش آلمان در ریوگسلاوی بوده است، بخوبی در جریان قتل عام پارتیزانهای یوگسلاو و کوچ دسته جمعی یهودیان یونانی به اردوگاههای مرگ بوده است. گزارش می افزاید که شواهد و دلایلی در ارتکاب شخصی والد هایم در این جنایات در دست نیست اما او بعنوان یک عنصر مطلع و مهم در جریان این امور قرار داشته است. این مسئله بحران سیاسی در اطریش را وارد مرحله تازه ای کرده است.

ترکیه

● در BEYAZIT (منطقه ای در استانبول) گروهی از دانشجویان، پرچم آمریکا را که عکس او زال (نخست وزیر ترکیه) را بالا بپوش نصب کرده بودند به آتش کشیدند و شعارهایی نظیر "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر فاشیست"، "آزادی، رفاه و شکنج در زندانها باید خاتمه یابد" و همچنین در ارتباط با آزادی زندانیان سیاسی می دادند. دانشجویان همگام با مشت های گره کرده و روشنایی مخصوصی به شهر استانبول می دادند. روز بعد در دانشگاه استانبول گروهی از دانشجویان در ارتباط با خواستهای صنفی تحصن کردند. خواست های این دانشجویان اعتراض به شرایط سختی که برای تحصیل و امتحانات گذاشته شده است می باشد. دانشجویان دسته اخیر مطرح می کردند که تحصن و اعتراضشان ربطی به تظاهرات روز گذشته ندارد و خود را جد از آن جریان اعلام کردند.

در همین روز بلاکاردهایی که شکل بمب داشتند (بمب از دوطرفشان آویخته بود) در چند نقطه شهر استانبول گذاشته شده بود و پلیس با ترس و وحشت از دور آنها را تماشا می کرد. روی این بلاکارد ها هم همان شعارها نوشته شده بود. پلیس از دور و بیطرف بلاکارد ها سنگ پرتاب می کرد و مردم با ترس آنها را تماشا می کردند.

آمریکا:

● آقای ادوین میز، دست صمیمی ریگان و دادستان کل آمریکا بر طبق شواهد متعدد، در مرکزیک رسوائی مالی قرار داد که در مورد کشیدن یک خط لوله نفتی در عراق صورت گرفته است. بر طبق این شواهد یک شرکت آمریکایی که می بایست در عراق کار ساختن یک خط لوله نفتی را انجام دهد اقداماتی برای رشوه دادن به حزب کارگر اسرائیل در دست اجرا داشته است و این جزب می بایست با دریافت رشوه از دست زدن به اقدام نظمی بر علیه خط لوله فوق خود در ای می کرد. آقای میز، بر طبق شواهد موجود، در حالیکه سمت دادستانی کل را داشته، از نزدیک در جریان اقدامات شرکت ساختن و مقاطعه کاری فوق که یکی از دستان وی در آن سهیم بوده است، قرار داشته و هیچ اقدامی برای متوقف کردن طرح رشوه دادن به حزب کارگر اسرائیل ننموده است. دانشه این رسوائی روز بروز گسترده تر می شود و پسا راهی محافل خواهان استعفا میز شده اند.

شعر بی نام

خسرو گل سرخی

نا ن و گرسنگی،

به تساوی تقسیم می شود.

ای سرو ایستاده!

این مرگ توست که میسازد

دشمن دیوار میکشد

این عابران خوب و ستم‌بر

نام‌ترا، این عابران ژنده‌نمی دانند

و این دریغ هست، اما

روزی که خلق بدانند

هر قطره خون تو محراب می شود

این خلق،

نام‌بزرگ‌تر

در هر سرود میهنی اش

آواز میدهد.

نام‌توپرچما بران

خزربنا متوزنده است.

بر سینه ات نشست

زخم عمیق کاری دشمن

اما،

ای سرو ایستاده نیا فتادی

این رسم توست که ایستاده بمیری

در تو ترانه‌های خنجر و خون

در تو پرندگان مهاجر

در تو سرود فتح.

این گونه چشمهای تو روشن

هرگز نبوده است.

با خون تو،

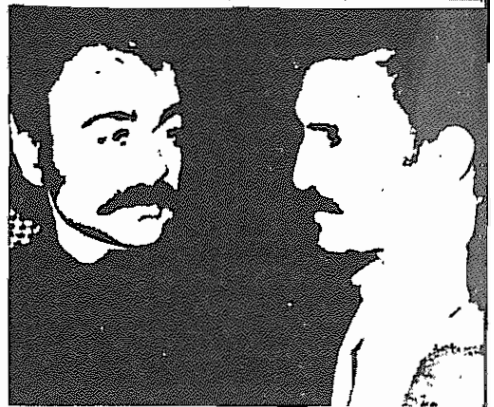
میدان توپخانه

در خشم خلق

بیدار می شود

مردم ز آنسوی توپخانه، بدینسوی

سرریز می کنند



چهارده سال از اعدام خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان می گذردی آنکه مردم ما این دو کمونیست انقلابی را فراموش کرده باشند. مدای اعتراض آنان که بر علیه ستم‌رما به‌وظایف دیکتاتوری شاه در پیدا دگاه پسر رضا خان بلند شده بود، در گوشه‌ها طنین افکن است. این کمونیست‌های جان باخته در راه اهداف طبقه کارگر ما هر دو از تبار رهبران انقلابی نیز بوده‌اند. کرامت دست اندر کار سیفا بود و خسرو شعر می سرود. رفیق خسرو با همه آنکه مهلت نیا فتاد تا ریشتری خلق کند، با همان آثار محدود خود ما بیان شعر مقامت و اعتراض بزد. وقتی که می گفت: خون ما پیرهن کارگران، خون ما پیرهن رنجبران خواهد شد. وبی گمان کارگران و رنجبران هنرمندان وفادار به خود را فراموش نخواهند کرد. نامشان جا ویدان و راه سرخشان بر هر رو باد.

سخنرانی

در تاریخ ۲۲/۱/۸۸ در شهرهای بدلیبرگ آلمان غربی از طرف رفقای هوا دار یک جلسه سخنرانی و بحث پیرامون نظریات و فرمیستی حزب توده و مرحله انقلاب ملی - دموکراتیک برگزار گردید. پس از پایان سخنرانی رفیق سخنران به پرسش حاضرین دربارہ مواضع سازمان ما پاسخ داد که مورد استقبال قرار گرفت.

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1-BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
-CEDEX 12
FRANCE

لیست کمکهای مالی

گیلدن	۵۰	۴
	۱۰۰	۴
مخملاند	۱۰	کرون
	۱۲۰	۴ - آذین
۲۰۰	۲۲	رفیق شکی - ۲۲
۲۰		محمد
۲۰		حسین
۲۰		احمد - ص
۱۵۰		سعید و مسلم
۲۰		سعید با بیروت
۵۰		رویا
۴۰		الف
۵۰		م
۱۰۰		الف
۴۰		ص
۴۰		ف
۵۰		م
۶۰		ن
۶۰		الف
۶۰		م
۸۲		ف
۵۰		ر

به‌واحد

و فعالین سازمان

زفا!

عید نوروز نزدیک میشود و ما با پیدار زحاک لادرفکر تهیه مقدمات برگزاری آن با شیم. جشن سال نو در واقع یکی از اشکال تبلیغات دوره‌ای ما است. زیرا با توجه به موضع رژیم اسلامی در برابر آن، برگزاری آن نشانه آشکاری از مقاومت بوده‌ای است. واقعیت اینست که عید در تاریخ کشور ما هیچگاه تسا این حدسیاتی نشده بود. در شرایط حاکمیت جمهوری - اسلامی عید ممنوع شده و جز "فعال مضره" است ولی سیاسی شدن عید اصلا بمعنای این نیست که از محتوای فرهنگی و شادی آفرین آن ذره‌ای کاسته شده است، بلکه بالعکس، سیاسی شدن آن درست بخاطر همان ضدیتش با اندوه و تاریکی و مرگ است. پس،

۱- همچون سالهای دیگر برای برپائی این جشن، چنانکه زیبنده آن است، آماده می شویم.

۲- این مراسم را در همه جا با همراهی دیگر نیروهای دموکرات برگزار می کنیم.

۳- کمیته‌های برگزارکننده جشن نوروز تکمیل مناسب این همکاری خواهد بود.

کمیته خارج از کشور

۱۸ بهمن ۶۶